

Explain the Behavioral Characteristics and Political Ethics of Agents in Transcendent Governance Based on the Second Step Statement (with Emphasis on Maintaining Political Health)

AmirHossein Balouchian Zadeh¹, Massoud Jafari Nejad²

¹Ph.D Student, Political Science-Public Policy, Islamic Azad University, Shahreza
Isfahan, Iran, a.h.balouchian@iran.ir,

² Assistant Professor, Political Science, Islamic Azad University, Shahreza
Isfahan, Iran, Pegah420ma@yahoo.com

Corresponding author, Amir Hossein Balouchian Zadeh , a.h.balouchian@iran.ir

Abstract. The transcendent rule is based on a divine value system such as Islam to achieve worldly and otherworldly happiness, and the Islamic Revolution of Iran is based on this value system, and its leader issued a second step statement to continue this path to achieve its great ideal. Emphasized the creation of a new Islamic civilization and preparation for the Mahdi (pbuh); Therefore, in order to realize this value system, the agents of transcendent governance should have Islamic spirituality and ethics and provide the ground for its prevalence in society. This article focuses on the category of spirituality and political ethics in transcendent governance, to prevent corruption, explains its dimensions and strategies to maintain political health and its question: What are the behavioral characteristics of agents in transcendent governance based on the second step statement and Should there be political ethics to protect themselves and society from the scourge of corruption? The hypotheses that are reflected in the descriptive-analytical method and considering the original principles of the Islamic-Iranian model of progress, in accordance with the Alawite behavior and leadership menus, are: transparency and honesty of the government with the people; Avoiding breach of contract, deception and betrayal in politics, not maneuvering the aristocracy and luxury of officials; Tolerating criticism and not bringing political fights and conflicts to the community level; Prevalence of morality and spirituality and self-justice in society

Keywords: Transcendent Governance, Step 2 Statement, Islamic Republic of Iran, Behavior and Political Ethics, Leader

تبیین ویژگی‌های رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی بر اساس بیانیه گام دوم (با تأکید بر حفظ سلامت سیاسی)

امیرحسین بلوچیان زاده^۱، مسعود جعفری نژاد^۲

۱- دانشجوی دکتری، علوم سیاسی-سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان

۲- استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان

چکیده. از آنجایی که اساس حکمرانی متعالی، مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر می‌باشد و نظام شکوهمند انقلاب اسلامی ایران بر پایه این نظام ارزشی و بر اساس آرمان‌ها و شعارهای مبنایی، تحقق ارزش‌های دینی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی، بنا نهاده شده و از طرفی در طلیعه دهه پنجم حیات بابرکت آن، رهبر حکیم آن با صدور بیانیه گام دوم بر ادامه این راه روشن تا تحقق آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافه) تأکید داشته‌اند؛ بنابراین لازم است کارگزاران حکمرانی متعالی در جهت تحقق این نظام ارزشی از معنویت و اخلاق اسلامی برخوردار بوده و زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند. این مقاله با تمرکز بر مقوله معنویت و اخلاق سیاسی در حکمرانی متعالی، جهت جلوگیری از فساد، به تبیین ابعاد و راهکارهای آن در جهت حفظ سلامت سیاسی در نظام اسلامی از دیدگاه بیانیه گام دوم پرداخته و پرسش این است: کارگزاران در حکمرانی متعالی بر اساس بیانیه گام دوم دارای چه ویژگی‌های رفتاری و اخلاق سیاسی باید باشند تا خود و جامعه را از آفات فساد مصون بدارند؟ بر اساس فرضیه تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و با در نظر داشتن مبانی اصیل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، منطبق بر سیره رفتاری علوی (ع) و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) انعکاس یافته، عبارت‌اند از: شفافیت و صداقت دولت با مردم؛ پرهیز از پیمان‌شکنی، فریب‌کاری و خیانت‌کاری در سیاست، عدم مانور اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی مسئولان؛ تحمل انتقادات و عدم کشاندن دعواها و منازعات سیاسی به سطح جامعه؛ رواج اخلاقیات و معنویات و خود عدالتی در جامعه

کلیدواژه‌گان: حکمرانی متعالی، بیانیه گام دوم، جمهوری اسلامی ایران، رفتاری و اخلاق سیاسی، فساد، مقام معظم رهبری،

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان می‌فرماید: "انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است... انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

قطار شتابان انقلاب اسلامی در حالی دهه پنجم حیات بابرکت خود را می‌پیماید که اهتزاز پرچم ایمان و سربلندی ملت همیشه قهرمان ایران در قله رفیع افتخارات در عرصه‌های علمی، ورزشی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... بر همگان هویدا شده و عظمت و پیشرفت ایران اسلامی بیش‌ازپیش آشکار شده و با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و نیروی جوان مؤمن و انقلابی، می‌توان امیدوار بود که در آغاز صده پانزدهم شمسی، ایرانی پیشرو، مقتدر و آباد خواهیم داشت.

همچنین به تبعیت از اوامر داهیهانه معظم له در جهت تحقق «جهاد تبیین» و بیانات ایشان در آخرین ارتباط مستقیم تصویری با جوانان و دانشجویان در روز اربعین مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۵ که فرمودند: "شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به‌معنای واقعی کلمه میوه دل ملت و امید آینده این کشورید، به مسئله تبیین اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رهاکردن اذهان مردم و بخصوص جوان‌ها، حرکت تبیین خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است" و از آنجایی که حکمرانی دارای مفهومی گسترده در حوزه‌های همچون اقتصاد، سیاست، اجتماع و... می‌باشد که با دولت و کارگزاران آن ارتباط مستقیم دارد و به تبع دولت و نقش کارگزاران آنرا در پیشبرد اهداف حکمرانی بر اساس نظام ارزشی اسلامی مهم و موثر است که منجر به تحقق حکمرانی متعالی خواهد شد.

نگاه این پژوهش که با عنایت به فرمان جهاد تبیین و بیانیه راه‌گشای گام دوم، از زاویه ویژگی‌های رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی می‌باشد در نوع خود دارای بداعت بوده و از این‌رو در دیباچه این سطور، با استعانت از خداوند متعال و ائمه اطهار (علیه‌السلام) به تبیین ویژگی‌هایی در باب تحقق حکمرانی متعالی سیاسی اخلاق مدار و بر اساس آموزه‌های اسلامی از دیدگاه بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازیم. ان‌شاءالله این پژوهش مقدمه‌ای، در راستای رسیدن انقلاب اسلامی ایران به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست، نزدیک خواهد کرد.

بیان مسئله

تشکیل امت واحده اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک آرمان و هدف عالی می‌توان از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در کلام و سخنان امامان انقلاب اسلامی مشاهده نمود تا جایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره شیوه حکومت در اسلام صراحتاً از «تشکیل جامعه نمونه اسلامی» و «تشکیل امت واحده جهان» نام برده شده: ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آموزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بر چنین پایه‌ای بنا کند (www.rc.majlis.ir، ۱۴۰۰/۰۶/۲۹).

از نظر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خطی که نظام اسلامی را ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است، "خط کلی نظام اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی است، البته اینکه در مقابل تمدن کنونی بشر (تمدن مادی غرب) می‌توان تمدنی دیگری مطرح شود یا نه... سخن‌ها هست" (بیانات در مدرسه فیضیه، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴). و به اعتقاد ایشان این هدفی است که از همان ابتدای انقلاب موردنظر بوده: "هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات، مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مندی از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه جامعه عظیم بشری در علم و بقیه دستاوردها، برخوردار از آزادی با همه معانی آزادی...، مسئله فقط ایران هم نبود ایران به‌عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه اول و همه جوامع در درجه بعد موردنظر بود ما می‌خواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم ... و آن را بگذاریم جلو چشم آحاد بشر و امت اسلامی تا بگویند این است که هم مطلوب اسلام و هم میسر مردم این روزگار" (بیانات در دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

از این‌رو، در حالی انقلاب کبیر اسلامی ایران، چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات طیبیه خود نهاد که دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن

پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ای عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» بر ادامه‌ی این راه روشن تأکید داشته و ضمن پرداختن به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته، توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. ایشان با مرور تجربه‌ی ۴۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی بیان کردند: «انقلاب وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است، گام دومی که باید در چارچوب «نظریه‌ی نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به‌سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) برداشته شود (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۲).

همچنین معظم له در بیانیه گام دوم، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه را از برکات بزرگ انقلاب اسلامی دانسته و بیان می‌فرماید: «انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب بیش از هر چیز رواج داد... هرچند دست‌تپاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سختی زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به دوره زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشیده بود ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد»

پس می‌توان معنویت و اخلاق را یکی از علل انقلاب اسلامی عنوان نمود، زیرا که معنویت و اخلاق برای نظام سیاسی ولایتی هم علت موجد است و هم علت موجه. درواقع در عصری که نشانه‌های تفوق اندیشه‌های لیبرالیستی بر تفکر مارکسیستی هویدا می‌شد و درحالی‌که رژیم منحوس پهلوی به‌شدت ارزشهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فرهنگ غرب را در کشور ترویج می‌داد، روحیه مبتنی بر معنویت و اخلاق از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) منتشر شد و با امتزاج در جان انقلاب بارقه‌های پیروزی انقلاب اسلامی را روشن نمود. این نکته به این معنا است که معنویت و اخلاق در انقلاب اسلامی نه در رهبانیت و گوشه‌های اعتزال که در شالوده‌شکنی جذابیت‌های ظاهری لیبرالیسم بنا شد بنابراین دارای اصالت و اعتبار است و از مبانی اصیل تحقق حکمرانی متعالی می‌باشد.

بااین‌وجود متأسفانه مشاهده می‌کنیم بعد از انقلاب اسلامی دولتهایی سرکار آمدند که به حالت‌ها و درجات مختلف با ویژگی‌ها و شاخصه‌ها یک «دولت اسلامی» تا حدودی فاصله گرفته و در انحاء مختلف از شعارها و آرمان‌هایی ابتدایی انقلاب اسلامی فاصله گرفته و باعث به وجود آمدن فساد در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... شدند. ازاین‌سبب با عنایت به روایتی از امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) که می‌فرماید: «الْأَسَاسُ بِأَمْرِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶) (شباهت مردم به امیران و حکم‌فرمایانشان بیشتر است از شباهت به پدرانشان!) و یا جمله معروف «الْأَسَاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» که از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این خصوص، "ملوک در اینجا به معنی پادشاهان نیست و همان مسئولین و کارگزاران نظام هستند... که رفتار آن‌ها تأثیری قهری در رفتار مردم دارد..." (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)؛ بنابراین جامعه‌ای به سمت اخلاقی تسری پیدا می‌کند که زمامداران و کارگزاران آن افرادی اخلاقی و اصولی باشند. چراکه آن‌ها همواره برای مردم یک جامعه الگو محسوب می‌شوند و اعتماد آن‌ها به مسئولین به درجه‌ی رعایت اخلاق، انصاف و عدالت در گفتار و کردار آن‌ها بستگی دارد، لذا نظام اسلامی نیازمند کارگزاران عالم و آگاه، متعهد و متخلق به اخلاق اسلامی در جهت تحقق حکمرانی متعالی است.

بنابراین ازجمله آفات یک نظام اسلامی، مقوله فساد است که از یک سوء باعث از میان رفتن اعتماد و انفکاک میان مردم و حاکمیت گردیده و از سوی دیگر باعث سوءاستفاده دشمنان انقلاب خواهد شد، در این پژوهش با تمرکز بر مقوله اخلاق سیاسی و معنویت، جهت جلوگیری از فساد، ویژگی‌های اصلی رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی مورد تبیین قرار می‌گیرد و ابعاد و راهکارهای آن در جهت حفظ سلامت سیاسی در نظام اسلامی از دیدگاه بیانیه گام دوم عنوان می‌شود. شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که هر چه بیشتر در میان کارگزاران و مدیران خود رشد کند برکات بیشتری به بار آورده و موجب بالا رفتن اعتماد مردم به کارگزاران خود شده و باعث کاهش فساد و حفظ سلامت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در میان آحاد جامعه و تحقق حکمرانی متعالی می‌شود و مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموارتر می‌نماید.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

ازآنجاکه موضوع این مقاله، تبیین ویژگی‌های رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب (با تأکید بر حفظ سلامت سیاسی) هست، مبانی نظری آن بر اساس بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه تحقق یک «دولت اسلامی»، در راستای رسیدن به یک «تمدن نوین اسلامی» می‌باشد. ازاین‌رو برای رسیدن به این هدف، نیازمند حرکت‌ها و پیشرفتهایی، متناسب با هویت مذهبی- ملی مان هستیم. آن‌چنان‌که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، تحقق «تمدن نوین اسلامی» است؛ لذا لازم است پیشرفت‌هایی اسلامی- ایرانی داشته باشیم، ازاین‌رو با در نظر گرفتن مبانی اصیل الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، بر اساس منویات مقام معظم

رهبری (مدظله العالی) و منطبق بر سیره رفتاری علوی (ع) در نهج البلاغه چهارچوب نظری قرار گرفته است.

بر این اساس، بخش اصلی و حقیقی پیشرفت و رسیدن به تمدن نوین اسلامی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما با مفهوم اسلامی را تشکیل می‌دهد که به آن «سبک زندگی» می‌گویند، از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، «ما مردم جامعه باید تغییری در سبک زندگی خود بدهیم. چون هم سبک زندگی ما اسلامی نیست و هم این سبک با معیارهای پیشرفت جامعه سازگار نیست و تا این سبک زندگی را تغییر ندهیم نمی‌توانیم گفتمان پیشرفت در کشور داشته باشیم... لذا یکی از ابعاد پیشرفت عبارت است از «سبک زندگی» کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن، این‌ها عبارتاً اخراجی یکدیگر است، این یک بُعد مهم است... که اگر از منظر معنویت نگاه کنیم، هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، پس باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است؛ بنابراین مسئله اساسی و مهمی است»

معظم له مشکلات این سبک زندگی را این‌گونه بیان می‌فرماید: "... از مشکلات ما، مصرف‌گرایی و زیاد مصرف کردن، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن، رفاه‌طلبی افراطی، اشرافی‌گری، زیادی خواستن، خوردن و زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما، در سبک زندگی‌مان است" (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

پیشینه تجربی

-ترابی، یوسف و پیروز فر، مهدی (۱۳۹۷)، در مقاله خود تحت عنوان، "دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)" این‌گونه بیان داشته‌اند: با پیروزی انقلاب اسلامی و طلیعه تغییرات اساسی در ساخت‌های متعدد جامعه به‌ویژه دولت شکل گرفت. در این راستا اصول و نظریه‌های متعددی بیان شده است؛ که به دنبال افزایش کارآمدی در دولت اسلامی بوده است در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از رویکرد کارکردگرایی تلاش شده تا دولت مطلوب و کارآمد از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بیان گردد، سؤال اصلی پژوهش این است دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چه ویژگی‌هایی دارد؟ یافته‌های حاصل حاکی از این بود که ایمان و هویت اسلامی، خردگرایی و عقلانیت، عدالت‌خواهی، حفظ استقلال، خودباوری و پیشرفت علمی، فساد ستیزی و سلامت اخلاقی، ساده زیستی و تواضع، پرهیز از تجمل، سعه‌صدر، قانون‌گرایی از مؤلفه‌های اصلی آن است.

-برزگیر، ابراهیم، امانلو، حسین (۱۳۹۵)، در مقاله خود تحت عنوان "شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی ایران" عنوان می‌دارد، کارگزاران به‌عنوان رهبران جامعه بالاترین تأثیر را در ساخت جامعه برای نیل به تمدن اسلامی دارند و به دنبال بررسی سبک زندگی کارگزاران و ارائه الگوی مناسب است و این پرسش را مطرح می‌کند که شاخص‌های مطلوب به سبک زندگی کارگزاران در نظام مردم‌سالاری دینی چیست؟ با چه الگویی میتوان به سبک زندگی مطلوب در نظام مردم‌سالاری دینی دست‌یافت؟ و فرضیه تحقیق بر اساس، اعتقاد سیاسی، اخلاق سیاسی و رفتار سیاسی با مؤلفه‌های ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت در قالب شاخص‌های مردم‌گرایی، خدمت‌گزاری، ساده‌زیستی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و مهرورزی تعریف می‌شود.

-مسعودی، جهانگیر، ساداتی زاده، سید سجاد، (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "رابطه اخلاق و سیاست" عنوان می‌دارند در زمینه ی رابطه احتمالی میان اخلاق و سیاست چهار دیدگاه در میان صاحب‌نظران وجود دارد نظریه (جدایی اخلاق از سیاست) نظریه (تبعیت اخلاق از سیاست) نظریه دوسطحی (اخلاق و سیاست) و نظریه یگانگی (اخلاق و سیاست) نماد بارز دیدگاه اول، ماکیاولی است. این دیدگاه ورود اخلاق به عرصه سیاسی را ممنوع و خطرناک میدانند و آن را عامل ناکامی سیاسی قلمداد می‌نماید. دیدگاه دوم در کل مطرود و نامعتبر است و طرفدار چندانی ندارد زیرا برای اخلاق هویت و اصالت قائل نیست. در دیدگاه سوم اصول اخلاقی در امور سیاسی پذیرفته میشود درحالی‌که معتقد است اخلاق سیاسی با اخلاق فردی متفاوت است. در دیدگاه چهارم اخلاق و سیاست هردو مظاهر حکمت عملی و ارزش‌مدارند و میان آن دو یک نوع اتحاد برقرار است به شیوه‌ای که میتوان اخلاق را سیاست فردی و سیاست را اخلاق جمعی دانست.

لذا با توجه به اینکه در این پژوهش‌ها، به تحقیق در خصوص شاخصه‌های انقلابی‌گری، دولت مطلوب و کارآمد اسلامی از نظر مقام معظم رهبری و صرفاً رابطه اخلاق و سیاست بحث شده و از این حیث که در مطالب خود دسترسی به بیانیه گام دوم نداشته، زیرا این بیانیه مورد متأخری است، و در رابطه با فساد و مبارزه با آن مطالبی بیان نشده، پژوهش حاضر سعی بر انطباق این موضوعات با بیانیه گام دوم داشته و درصدد است با عنایت به صدور فرمان جدید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خصوص «جهاد تبیین»، به تبیین ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی از منظر بیانیه گام دوم در جهت مبارزه با فساد و حفظ سلامت سیاسی بپردازد که در نوع خود دارای بداعت می باشد.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش روش کار توصیفی و تحلیلی می‌باشد؛ و سعی شده، کلیه اسناد و مدارک موجود مرتبط با موضوع پژوهشی به‌منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهش مورد استفاده قرار گیرد، در این پژوهش گردآوری داده‌ها با استفاده از اسناد، مدارک، کتاب‌ها به‌ویژه در آثار مکتوب و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مندرج در سامانه ایشان و کلام حکیمانه و گوهر بار حضرت امام علی(ع) در نهج‌البلاغه و همچنین استفاده از بانک مقالات معتبر اینترنتی صورت پذیرفته است.

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش سعی شده در ابتدا به بیان تعاریف و مفاهیم کلیدی پژوهش، پرداخته و سپس به تبیین ویژگی‌های رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی از منظر بیانیه گام دوم در جهت مبارزه با فساد و حفظ سلامت سیاسی پرداخته شود.

کارگزار

کارگزار نظام اسلامی نماینده حاکم اسلامی است که مسئولیت‌هایی را از طرف وی در امور اجتماعی، سیاسی و نظامی عهده‌دار می‌شود؛ از این رو باید مورد اطمینان حاکم اسلامی باشد. کسی که در دولت اسلامی مسئولیت خطیر به عهده داشته، از سوی حکومت و مردم برگزیده می‌شود. کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی ایران شامل: سطوح رؤسای قوای سه‌گانه، وزرا و معاونین وزرا، اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروهای نظامی، استانداران و غیره در طول چهل سال گذشته است. در نظام اسلامی وظایف امام در زمان غیبت کبرا به ولی فقیه به‌عنوان نایب امام تفویض می‌شود که نخبه‌ترین فرد و شایسته‌ترین شخص برای اداره جامعه است. اسلام و مبانی دینی به‌مثابه ساخت این نظام است که در قانون اساسی و قوانین جاری در کشور باید پیاده شود. برای اجرای دستورات و تعالیم دینی در نظام مردم‌سالاری دینی و پاسخگویی به نیازهای مردم، اداره جامعه و ارائه سبک زندگی اسلامی به مردم، سیستم و ساختار مشخص و خاصی با ترکیب قوای سه‌گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و قوای مسلح برای ساخت فوق طراحی شده است (برزگر، امانلو، ۱۳۹۵: ۱۹).

حکمرانی

از نظر بانک جهانی، حکمرانی عبارت است از: فرایند و نهادهایی که از طریق آنها تصمیمات اخذ و اختیارات در یک کشور اعمال می‌شود. از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح. از نظر صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگهداری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که هادی فعالیتهای کارآمد بخش خصوصی باشد (پورآقایی، ۱۳۸۳، ۴-۳) از نظر کافمن، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه. با توجه به تعاریف مزبور، حکمرانی دارای مراحل ذیل است: ۱- فرایند انتخاب و جایگزینی دولتها، ۲- ظرفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی، ۳- احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادها حاکم است (رحمتی، ۱۴۰۰).

بنابراین حکمرانی: فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است.
(www.governanceschool.ir، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵)

حکمرانی دارای انواع خوب، سالم و متعالی می‌باشد که هر کدام دارای مبانی و شاخصه‌هایی است که در اینجا به دلیل محدودیت، فقط به تعریف و بیان شاخصه‌های حکمرانی متعالی پرداخته می‌شود.

حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی عبارت است از: فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به‌منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی متعالی از بعد هستی‌شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات از تجلیات او نشئت گرفته و همه چیز را از او میداند. از بعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمیداند، بلکه معرفت‌های عقلانی و حیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعدی مادی و معنوی می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمیداند، بلکه روش و حیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد، به عبارت دیگر، در حکمرانی متعالی هر چند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد.

بنابراین، حکمرانی متعالی مبتنی بر جهان بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند (رحمتی، ۱۴۰۰).

به بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی): "با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید... که بتواند اهداف را با تشکیل برنامه ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل میکند، که میفرماید: "قَبَعَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ"؛ «لِيَحْكُمَ» یعنی «لِيَحْكُمَ كتاب»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه ی تنظیم های اجتماعی. این در سوره ی بقره است، در سوره ی مائده میفرماید: "وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ"؛ انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته میشود برای اهل انجیل؛ و همچنین در مورد پیغمبران دیگر که در آیات «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» و «وَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ذو «وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» هست، در همه ی اینها آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه های حکمرانی از آن گرفته میشود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن کتاب است؛ و همه ی برنامه های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود" (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

لذا حکمت متعالی دارای ویژگی هایی همچون: -دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و احاد اجتماعی در برابر همدیگر و همه در برابر خداوند به عنوان تکلیف همگانی پاسخگویی دارند -پایبندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که برگرفته و مبتنی بر قوانین الهی است. -آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راستگویی و صداقت بوده، و تضمین کننده رشد و کمال انسان باشد. -استفاده از روش های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام. -استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی به طور کامل در راستای امورات عام المنفعه و خداپسندانه (نجفی، نیک نهاد: ۱۴۰۰).

اخلاق

اخلاق در لغت جمع واژه خلق و به معنای خوی هاست و گاهی در معنای سرشت و سجه به کار می روند، اعم از اینکه سجه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند، جوانمردی و دلیری، یا زشت یا ناپسند باشد مانند، فرومایگی و بزدلی. این واژه در اصطلاح دانشمندان و علمای اخلاق در معانی و تعبیر مختلفی به کار رفته، مانند هرگونه صفات نفسانی که موجب پیدایش کارهای خوب و بد می شود، صرف فضائل اخلاقی، نهاد اخلاقی زندگی، نظام افکاری افراد که موجب مهار آن ها می شود، در علم اخلاق به کار رفته است (مصباح، ۱۳۹۱: ۱۳).

علمای اسلام هم به مسئله اخلاق توجه خاصی داشته اند و مربیان اخلاقی، طالب های تهذیب نفس را راهنمایی می کرده اند از این رو رهبر انقلاب (مدظله العالی) می فرماید: "...تزکیه ی نفوس، تطهیر دل ها، والا کردن اخلاق بشری، نجات دادن انسان از مزبله ی گرفتاری های اخلاقی و ضعف های اخلاقی و شهوات نفسانی یک هدف والاست (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۳/۲۹) پس می توان گفت تنها در پرتو اخلاق صحیح و دعوت انسان ها به فضیلت های اخلاقی، اصلاح انسان ها و نجات آن ها از مفسدات اجتماعی، جنگ ها، خونریزی ها و ... میسر است.

اخلاق در سبک زندگی راهبرد و چارچوب رفتار و تفکر انسان است. ملا احمد نراقی در معراج السعاده می گوید: "ثمره تهذیب اخلاق رسیدن به خیر و سعادت ابدی است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه خالی و به تمام اوصاف حسنه آراسته باشد" (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۴) گسترش هنجارها و قواعد اخلاقی سبک زندگی جامعه را تنظیم و به عنوان معیار زندگی افراد و گروه ها درمی آید.

سیاست

سیاست در لغت به معنای تصدی شئون ملت و تدبیر امور مملکت است. در زبان عربی آمده که سوس به معنی ریاست است، کسی که متصدی حفظ مصالح مردم می باشد و در زبان لاتین politic که از کلمه یونانی Polis به معنی مدینه و دولت شهر مشتق شده است. در تعبیری سیاست عبارت است از حفظ مصالح ملت و نشان دادن راه نجات، در حال و آینده و پیامبران الهی کسانی هستند که بر ظاهر و باطن عموم مردم ریاست دارند و زمامداران تنها بر ظاهر مردم حکومت می نمایند. عده ای سیاست را به معنای دانشی گرفتند که از شهر مدینه در عصر فیلسوفان دوران اسلامی مانند: فارابی و مناسبات شهروندی (مدنی) بحث می کند و یا علمی می دانند که زندگی با مسالمت و سودآور را چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی به آدمی می آموزد معادل سیاست، به معنای آنچه مربوط به شهر، اداره آن و متعلقات آن است، می باشد. عده ای نیز سیاست را

نوعی مصلحت‌اندیشی و گزینش خطای کمتر می‌دانند. به عبارتی، سیاست را میدان مبارزه‌ای می‌دانند که در آن انسان باید همیشه مراقب باشد و ببیند اگر رسیدن به مصلحت درجه اول میسر نیست، مصلحت درجه دوم را بیابد. درواقع سیاست عرصه‌ای است که پیوسته انسان باید بین دو خطا، کوچک‌ترینش را انتخاب کند ارسطو، سیاست را به‌عنوان اشرف علوم می‌داند که سعادت بشر را به‌عنوان خیر برین تعریف می‌کند و راهنمای رسیدن به آن را آموزش می‌دهد، تعریف می‌نماید (مسعودی، ساداتی زاده، ۱۳۹۴: ۲۱).

امام خمینی (ره) در یکی از جلسات درس خود در نجف اشرف، تعریف سیاست چنین بیان می‌کنند: "مگر سیاست چیست؟ روابط بین حاکم و ملت، روابط بین حاکم و سایر حکومت‌ها، جلوگیری از مفاسدی که هست، همه این‌ها سیاست است" همچنین ایشان در تعریف سیاست الهی می‌فرماید: "سیاست این است که جامعه را هدایت کند. درراه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به‌طرف آن چیزی که صلاحشان است، صلاح ملت است، صلاح افراد است و این مختص انبیا است و دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند" (www.imam-khomeini.ir, ۱۴۰۰/۰۶/۲۷).

اخلاق و سیاست

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با اشاره به سیر و سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (ع) که سلوک معنوی آن از سلوک اخلاقی او جدایی نداشته و هم‌آمیخته با معنویت بوده و هم‌آمیخته با اخلاق، می‌فرمایند: "سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد و از معنویت سیر آب شود، برای مردمی که مواجه با آن سیاست‌اند، وسیله کمال است و راه بهشت، اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، آن‌وقت سیاست ورزی می‌شود و وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت، برای کسب ثروت و پیش بردن کارهای خود در دنیا که هم آفت است برای سیاست ورز و هم آفت است برای مردمی که در عرصه زندگی آن‌ها این سیاست ورزیده می‌شود..." (بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰).

رابطه اخلاق با سیاست

اخلاق و سیاست از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که بشر همواره در مسیر زندگی‌اش به آن محتاج بودند باکمی تأمل و تعمق در تاریخ بشر روشن می‌گردد که در ادوار مختلف فرمانروایان و حاکمان با این دو مقوله حیاتی به‌گونه‌ای متفاوت برخورد نموده‌اند به‌طوری‌که پیامدهای آن جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است. برخی از آن‌ها بین این دو مقوله تفکیک قائل شده و سیاست منهای اخلاق را سرلوحه تصمیمات خویش قرار دادند و هیچ‌گونه رابطه بین آن‌ها قائل نیستند و در مقابل دیدگاه دیگر قائل به تلفیق این دو مقوله و برقراری رابطه عمیق بین آن‌ها و سعادت جامعه را درگرو اخلاقی بودن سیاست آن جامعه تلقی نموده‌اند.

در جهان امروز اهمیت اندیشه‌های انسان و رویدادهای سیاسی بر کسی پوشیده نیست چه‌بسا یک رویداد بر سرنوشت بسیاری از ملت‌ها تأثیر بگذارد و یک اندیشه نیز سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد به همین دلیل خیر و صلاح ملت‌ها در این است که باکم و کیف اندیشه‌ها و رویدادهای جهانی آشنا شوند و دراین‌بین مسئله سیاسی و اخلاقی نه‌تنها اهمیت ویژه دارد بلکه شاید بتوان گفت که مهم‌ترین مباحث انسانی می‌باشد (مسعودی، ساداتی زاده، ۱۳۹۴: ۲۰).

بدون تردید یکی از معماهای پیچیده در جهان سیاست رابطه اخلاق و سیاست در صحنه عمل سیاسی است. جایگاه اخلاق در نظام اجتماعی و رابطه اخلاق نظری و سیاست عملی در تاریخ فلسفه سیاسی در جهان دارای قدمت وافر است. آنچه تاریخ بشر در عمل شاهد و گواه آن بوده، بی‌اعتنائی و یا کمرنگ شدن اصول اخلاقی در صحنه عمل سیاسی به‌ویژه هنگام بروز جنگ‌ها و کشمکش‌هاست. به‌گونه‌ای که صفحه‌های تاریخ اجتماعی و سیاسی انسان‌ها مشحون از سیاست‌های غیراخلاقی است. لذا یکی از دغدغه‌های مهم اندیشه پردازان سیاست در عصر مدرن تبیین رابطه و حدود نفوذ اصول اخلاقی در صحنه عمل سیاسی و اقناع حکمرانان به رعایت اصول اشاره‌شده در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است (اخوان، ۱۳۹۷: ۱۰).

از این‌رو ممکن است در نگاه ابتدایی رابطه و یا جمع اخلاق با سیاست ناممکن به نظر برسد؛ زیرا اخلاق، از فضائل صفات و اخلاق حسنه سخن می‌گوید، درحالی‌که سیاست، دغدغه قدرت و اعمال سلطه را در سر می‌پروراند. سیاستمدار در پی کسب حفظ و توسعه قدرت و نیز تأمین خواسته‌های نفسانی خویش است، درحالی‌که انسان اخلاق مدار با نگاهی منتقدانه به این امور در اندیشه کسب فضایل و زدودن رذایل نفسانی خویش می‌باشد (وحیدی منش، ۱۳۸۷).

لذا در باب رابطه اخلاق و سیاست چهار نظریه عمده وجود دارد که عبارت‌اند از: نظریه (جدایی اخلاق از سیاست)؛ نظریه (تبعیت اخلاق از سیاست)؛ نظریه (دوستی اخلاق و سیاست) و نظریه (یگانگی اخلاق و سیاست) (مسعودی، ساداتی زاده، ۱۳۹۴: ۲۱). که در یک نگرش کلی و کلان می‌توان گفت از رابطه اخلاق و سیاست در مرحله و حوزه عمل سیاسی دو نوع برداشت وجود دارد:

برداشت اول، ملاحظه رابطه اخلاق و سیاست بر پایه و ترجیح (اخلاق سیاسی) است در این برداشت، اصالت و ترجیح با حفظ قدرت سیاسی

است هرچند به بهای زیر پا نهادن اصول اخلاقی و بی‌اعتنائی به اصول اشاره شده باشد. در این نگرش اخلاق در صحنه عمل کم‌رنگ و گاه حذف می‌شود و آنچه قدرت و سیاست اقتضا می‌کند اختیار می‌شود.

برداشت دوم، ناظر بر رابطه اخلاق و سیاست بر پایه و ترجیح (تقدم سیاست اخلاقی) است. در این برداشت و نگرش حفظ اصول اخلاقی انسانی و پایبندی به آن اصول هرچند با صیانت ظاهری از قدرت سیاسی در تعارض باشد مقدم شمرده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ بنابراین با نگاهی به این دو موضوع می‌توان دریافت که چنین اختلافی را نمی‌توان منشأ از اصل این معانی دانست، بلکه با یک بازنگری مجدد بر تعاریف سیاست و ولایت از نگاه مکاتب آسمانی می‌توان اخلاقیات را کانون اصلی عملکردها و اعمال قدرت‌های سیاسی دانست و به این شکل سیاستی را که بر محور اخلاق، ظهور و بروز یابد را (سیاست اخلاقی) نامید (وحیدی منش، ۱۳۸۷).

بنابراین به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، "یکی از خطرهای جدائی دین از سیاست که عده‌ای آن را همیشه در دنیای اسلام ترویج می‌کردند و در کشور ما هم بوده و امروز هم متأسفانه بعضی نغمه‌هایی را در جدایی دین از سیاست بلند می‌کنند، همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق جدا خواهد شد، از معنویت جدا خواهد شد. در نظام‌های سکولار و بی‌رابطه با دین، اخلاق در اغلب نزدیک به همه موارد، از بین رفته است حالا یک وقت استثنائات در جای یک عمل اخلاقی دیده بشود که این ممکن است استثنا باشد، لذا وقتی دین از سیاست جدا شد سیاست می‌شوند غیر اخلاقی مبنی بر همه محاسبات مادی و نفع طلبانه. سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (ع) بر پایه معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست (بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰).

لذا در ارزیابی رابطه اخلاق و سیاست، اخلاق یا دین بر سیاست برتری دارد. به این ترتیب در مقام مقایسه چهار نظریه عمده در باب رابطه اخلاق و سیاست که بدان اشاره شد، می‌توان گفت: تنها برداشت دینی یا برتری دین بر سیاست با نگرش حکمت متعالیه به رابطه دین و سیاست همخوانی و مشابهت دارد و سه برداشتی دیگر اساساً باروح این مکتب بیگانه است و متفکران حامی این برداشتها در غرب، گرچه حوزه دین را بر حوزه دولت یا سیاست رجحان داده‌اند، عمدتاً نه تنها تمایز امور دنیوی از امر روحانی را قبول کرده‌اند بلکه بر آن تأکید دارند. در حالی که در حکمت متعالیه چنین تفکیک و تمایزی مورد پذیرش نیست و از منظر ایشان بین دنیا و آخرت یا سیاست و دین رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

مطابق این رویکرد تمامی امور در خدمت اهداف دین است و به دولت و حکومت که مهم‌ترین مظهر سیاسی تلقی می‌شوند، به عنوان تکلیف و وظیفه دینی به نحوی که رضایت خداوند را تأمین کند پرداخته می‌شود به همین دلیل از نظر ملاصدرا مقصود اصلی از وضع قوانین الهی سوق دادن انسان‌ها به جوار خداوند متعال و معرفت ذات او، رهاسازی آن‌ها از صفات نکوهیده و خصلت‌های ناپسند است در واقع از دیدگاه ایشان سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیاپرستی به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال و نیز حرکت از خودپرستی به خداپرستی و از شرک به توحید است، یعنی در حکمت متعالیه اخلاق و سیاست مکمل و مؤید یکدیگرند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. به همین دلیل سیاست از نظر ملاصدرا و دیگر متفکران حکمت متعالیه مبتنی بر (آخرت‌گرایی)، (فضیلت‌گرایی)، (هدایت محوری)، (غایت‌مداری) و در یک کلام اخلاق‌مداری و اخلاق محوری است (اخوان، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۴).

از مشاهده نظر بیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) که بین اخلاق حسنه و سیاست صحیح یا الهی آمده، به صراحت ایشان بیان می‌دارند: "اسلام احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است... و الله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند، سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد" (www.imam-khomeini.ir، ۱۴۰۰/۰۶/۲۶).

بنابراین چه گفته شد از منظر رهبر انقلاب، "...ایمان دینی باید با معرفت همراه باشد؛ معرفت دینی چیست؟ همین مطلبی که مرحوم مدرّس فرمود که «دیانت ما عین سیاست ما است، سیاست ما عین دیانت ما است» معنای اینکه دینی از حکومت جدا باشد، این است که دین بنشیند دائم نصیحت بکند، دائم حرف بزند و قدرتمندان هم هر کار که دلشان می‌خواهد برخلاف دین و بر ضد دین بکنند؛ هر وقت هم که خواستند یک لگدی به سر این‌ها بزنند؛ دین غیرسیاسی یعنی این. این را می‌خواهند، این معرفت باید وجود داشته باشد که دین منفک از سیاست نیست؛ و دشمن دین، از آن دینی می‌ترسد که دولت دارد، قدرت دارد، ارتش دارد، اقتصاد دارد، سیستم مالی دارد، تشکیلات گوناگون اداری دارد؛ از این دین می‌ترسد... پس این هم یکی از عوامل [اقتدار کشور] است. این را بدانید که عدم انفکاک دین از زندگی و از سیاست و جریان دین در همه‌ی سراسر زندگی جامعه، یک معرفت درست دینی است؛ این باید تحقق پیدا بکند و باید دنبال این بود..." (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

پیامدهای جدایی اخلاق از سیاست

تمدن غربی در دوران جدید خود بر مبنای ستیز با معنویات و اخلاق بنا شده است. مدرنیته با اصالت به اومانیسم، راسیونالیسم، لیبرالیسم، ساینتیسم، سکولاریسم و... آن چنان بر باطل دنیاگرایی و آخرت‌گریزی کوبید تا کسی جرأت نکند دین، عرفان، اخلاق و معنویت را در حوزه امور

بیان پیامدهای مهم جدایی دین از سیاست در دنیای غرب بر اساس جمله‌ی شایع در زبان اهل علم، «تعرف الاشياء باضدادها» یعنی اشیاء از راه نقطه‌ی مخالف و نقطه‌ی مقابلشان شناخته و به وجود آن‌ها پی برده می‌شوند؛ ما را بر آن می‌دارد که در باب شناخت نظریه جدید امام خمینی(ره) که در تقابل با غرب عنوان کرده‌اند یاری رساند؛ لذا در وصیت‌نامه سیاسی-الهی حضرت امام(ره) در صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۶-۴۰۴، به جنبه‌های این مهم اشاره شده و در برداشتی که از آن مفهوم می‌شود، می‌توان گفت: القای این تفکر دیانت منهای سیاست باعث گردید که سرانجام برای جهان اسلام مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی فراوانی را به وجود آورد و جوامع اسلامی را از رسیدن به اهداف عالی خود که روزگاری صاحب فرهنگ و تمدن درخشان بودند بازداشت و منشأ نارسائی‌ها و ناهنجاری‌های فراوان از قبیل فقر، ضعف و ... گردید. عوامل جدایی دین از سیاست را ابتدا باید در تفکر سطحی، قشری و تحجرگرایانه از اسلام و ثانیاً تبلیغات دامن‌دار دشمنان اسلام جستجو نمود؛ و حضرت امام(ره) معتقدند، دین جایگاهی بس مهم دارد که سعادت دنیا و آخرت، ارائه حکم ظاهر و باطن، مادی و معنوی و ... همه را شامل می‌شود. دین متکفل بیان آنچه در سعادت انسان دخالت دارد، می‌باشد.

امام (ره) برای روشن‌تر شدن مطلب در رابطه بین قدرت و تهذیب یا عدم آن از قول شهید مدرس و ایشان از قول ابوعلی سینا، نظریه شاخ‌داران بی‌عقل یا قدرتمندان بی‌عقل را با پی آمده‌ای آن چنین طرح می‌کنند که: "من از گاو می‌ترسم برای این که شاخ دارد و عقل ندارد... قدرت دارد و عقل ندارد" ایشان معتقدند که سیاست‌مدار فاقد اخلاق انسانی، چاقوکشی است که عالم را به فساد می‌کشاند و می‌فرماید: "وقتی سیاست‌مدار بر طریقه اخلاق انسانی نباشد او چاقوکش از کار درمی‌آید اما نه چاقوکش سر محله، چاقوکش در یک منطقه وسیعی در دنیا. این که در روایت هست که "إذا فسد العالم فسد العالم" مصداق بالاترش همین‌ها هستند که علمای سیاست هستند، فاسد هستند عالم را به فساد کشانند" (www.imam-khomeini.ir, ۱۴۰۰/۰۶/۲۶).

بنابراین جنگ با معنویت و طرد آن از حوزه عمومی پیامدهای تلخ و وحشتناکی برای بشر به ارمغان آورده که برخی از آن‌ها به اختصار مطرح می‌شود:

الف- جنگ‌های خانمان‌سوز بین المللی در جهت استعمار و استثمار ملت‌ها برای ایجاد دولت‌های دست‌نشانده

ازجمله ثمرات تلخ ستیز با معنویت و راندن آن از حوزه سیاست، پیدایش جنگ‌های جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) و دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹ م) بود که بر اثر آن میلیون‌ها انسان بی‌گناه کشته و یا بی‌خانمان شدند و هم چنان شاهد این کشتارها و وحشی‌گری‌های امروزه غرب به سرسپردگی امریکا جنایت‌کار در جنگ‌های اشغالگرانه در افغانستان عراق، یمن و ... و همچنین جنایاتی که اسرائیل غاصب نسبت به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها با حمایت آمریکا انجام می‌دهند همه از پیامدهای جدای سیاست از معنویت است. هنگامی که معنویت، خدا و آخرت از حوزه علم کنار گزارش شد و زمانی که دولت‌های اروپایی اخلاق را از سیاست جدا کردند استعمار کشورها و چپاول ثروت محرومان و مستضعفان عالم توجیه علمی پیدا کرد و در پرتو پیشرفت‌های علمی و افزایش فناوری، دولت‌های غربی با سیاست‌های ماکیاولیستی ثروت میلیون‌ها انسان و ده‌ها کشور را به غارت بردن و آنان را در عقب‌ماندگی، فقر، بیماری و فساد رها کردند.

بی‌گمان اگر سکولاریسم در غرب حاکم نبود و معنویت، اخلاق و وجدان، ترس از خدا و آخرت در سیاست غربی‌ها جایگزین داشت این چنین مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار جهان سوم و چهارم و تعبیر امروز، جهان جنوب به غارت نمی‌رفت. میوه تلخ این جدایی، برپایی استبداد بین‌المللی و جلوگیری از حاکمیت مردم بر سرنوشت خود است. معنویت ستیزان غربی باوجود شعارهای دموکراسی، حقوق بشر و آزادی اجازه تشکیل دولت‌های ملی را در کشورها نمی‌دهند و باروی کار آوردن دولت‌های استبدادی و نظامی و وابسته مانند آنچه دیروز و امروز شاهد آن بوده‌ایم به دنبال کسب منافع نامشروع خود بوده که این از نتایج جدایی دین از سیاست و معنویت از دولت است (اخوان، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۰).

ب- دنیاپرستی و مادی‌گری و ایجاد فساد

پیامد دیگر جدایی اخلاق و معنویت‌ها از سیاست، توجه افراطی به دنیا، لذت پرستی، شهوت‌رانی، فساد، ثروت‌اندوزی و دنیاپرستی است. این عامل امروزه موجب فروپاشی خانواده‌ها، افزایش خشونت، تبعیض نژادی، جرم و جنایت و طغیان سرمایه‌داری و فساد در غرب شده است. بحران‌های اجتماعی که به دلیل دوری از معنویت و طرد آن از حوزه عمومی و عرفی رخ داده است، امروز از معضله‌های اساسی و پیچیده در غرب است. گفتنی است ستیز با معنویت و جدا کردن علم و صنعت از آن در پی رنسانس و انقلاب صنعتی به همراه عملکرد منفی فئودالیسم و کلیسا در اروپا افزون بر مادی‌گرایی‌های لیبرال، الحاد و خداستیزی مارکسیستی را نیز به وجود آورد و بخشی از جهان را در سیطره حکومت‌های اختلاف کمونیستی قرارداد که دوران سختی را گذراندند. بی‌گمان این پیامدها از نتایج تفکیک سیاست از معنویت بوده است (مظفری، ۱۳۸۵).

پس بنا بر آنچه گفته شد مهم‌ترین مظاهر و پیامدهای جدایی اخلاق و معنویات از سیاست به وجود آمدن مفاسد و بروز فساد سیاسی در

بدنه دولت حاکم است که در این بخش ابتدا به مسئله فساد و ماهیت آن و سپس به تبیین ویژگی‌های اصلی سیره رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران با رویکرد اسلامی در جهت حفظ سلامت سیاسی می‌پردازیم:

مسئله و ماهیت مقوله فساد و مبارزه با آن:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی امیدهای زیادی در مورد ریشه‌کنی فساد در دل مردم ایجاد شد، هرچند انقلاب اسلامی در بحث مبارزه با فساد گام‌های بسیار بلندی برداشت و به‌خصوص در سال‌های اول انقلاب روحیه انقلابی و جهادی مردم و مسئولان فاسدان و خیانت‌کاران را ترسانده و بسیاری از مفسدان را به قانون سپرد، اما پس از جنگ و روی کار آمدن دولت‌های مختلف و حاکم شدن فضای سرمایه‌سالاری و سودمحوری بر کشور کم‌کم این امر مهم به حاشیه رفت و فساد این بار با چهره‌های موجه و فراگیر در کشور ظهور پیدا کرد به‌نحوی که همواره عتاب‌آویزترین پیام‌های رهبری به مسئولین کشور در حیطه عدم توجه به برخورد با فساد بوده است ایشان می‌فرمایند: "امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه‌ی مسئولان کشور بفهمند" (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)، "مبارزه با فساد، وظیفه‌ی همه است؛ اما در درجه‌ی اول، وظیفه‌ی مسئولان کشور است" (پیام نوروزی، ۱۳۸۱/۰۱/۰۱)، "... من معتقدم مبارزه با فساد، در درجه‌ی اول کار خود دولت است؛ به‌خصوص که دولتمردان سطح بالای ما، یعنی شما وزرای محترم، معاونان محترم رئیس‌جمهور و بقیه‌ی مسئولان سطح بالای کشور، افراد پاکی هستند. شما می‌خواهید پاک کار بکنید؛ بنابراین می‌توانید خودتان مبارزه کنید و بکنید. بخش قضا مربوط به مرحله‌ی آخر کار است." (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴).

یکی از شاخص‌های حکمرانی متعالی، مبارزه با فساد است. فساد یعنی سوء استفاده از قدرت یا اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی هنگامی که بحث از فساد به میان می‌آید، تعاریف و مفاهیم گوناگونی به ذهن ما هجوم می‌آورند که در برخی از موارد موجب گیج و سردرگم شدن ما می‌شود. حال اگر بخواهیم تعریف دقیق و جامعی از فساد ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که فساد عبارت است از: سوء استفاده از امکانات عمومی برای نفع شخصی. در رفتار مفسدان، فرد از اختیارات و امکاناتی که با توجه به مقام و منصبش به او داده شده، سوء استفاده کرده و از طریق آن‌ها منافع شخصی‌اش را تحقق می‌بخشد. بر اساس این تعریف، مواردی چون رشوه گرفتن، اخاذی، کلاهبرداری، اختلاس، خویشتاوندگماری، پارتی‌بازی و اعمال نفوذ بر دیگران، همگی از مصادیق فساد به شمار می‌آیند که برخی به‌صورت انفرادی صورت می‌پذیرند (مانند کلاهبرداری و اختلاس) و برخی دیگر به‌صورت گروهی و با مشارکت طرف مقابل (مانند رشوه گرفتن یا اعمال نفوذ) (یومینت، ۱۳۹۰: ۳۰).

در تبیین این تعاریف از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ایشان می‌فرمایند: "فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره‌ی حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند" (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)، فساد، یک ملت را به‌خودی‌خود ضایع و باطل می‌کند و آینده‌ی او را تباہ می‌سازد" (بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷)، "فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد می‌کند" (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲)، وجود و رواج مفاسد یکی از بزرگ‌ترین خطرهای این است که عناصر خوب دستگاه‌ها را متزلزل می‌کند، زیر پای آن‌ها را سست می‌کند" (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵).

بنابراین رهبر انقلاب مبارزه با فساد در همه ابعاد را از پایه‌های اصلی نظام اسلامی دانسته و می‌فرماید: "مبارزه با فساد، یکی از پایه‌های اصلی حکومت و نظام اسلامی است. این روش امیرالمؤمنین است" (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶)، لذا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، در مورد فساد و خیانت کارگزاران بسیار سخت‌گیر بود، ایشان در نامه‌ای به منذر بن جارود عبدی (نهج‌البلاغه، نامه ۷۱) که به (سرزنش خیانت اقتصادی) مشهور است، زمان برکناری او از سمت به دلیل خیانت اقتصادی چنین می‌فرماید: "شتر خانه ات و بند کفش تو، از تو بالارزش‌تر است و کسی که با صفات تو باشد، شایسته آن نیست، پاسداری از مرزهای کشور به او داده شود و یا فرمانی به دست او اجرا شود و یا مقامش بالا رود و یا در امانتی شریک شود و یا کسی از خیانت او ایمن باشد" (نهج‌البلاغه، ۷۳۱).

رهبر حکیم انقلاب در چهارمین توصیه خود در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و عدم سلامت سیاسی و اقتصادی را عامل ضربه زنده به مشروعیت نظام عنوان کردند و فرمودند: "عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی، سیاسی و اخلاقی توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه زنده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری

قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی. عدالت و انقلاب اسلامی... (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

فساد سیاسی

مهم‌ترین انحراف سیاسی دولت پس از انقلاب گرایش به استبداد و انحصار قدرت در دست یک گروه و اعمال سلطه و غلبه بر مردم و کاربرد خشونت است. خواجه‌نصیرالدین طوسی این فرآیند را سیاست انحرافی ناقصه یا سیاست تقلب می‌نامد که غرض از آن استبداد خلق بوده و لازمه‌اش شقاوت و مذمت است. به نظر خواجه سیاستمداران این‌گونه سیاست ستم نموده و رعیت عبید خود می‌پندارند و جامعه را مملو از شرارت یعنی خوف، اضطراب و تنازع، ستم، حرص، عنف، عذر، سرگری، خیانت، غیبت و ... و خویشتن را بنده شهوات خود می‌کنند (طوسی، ۱۳۶۰، ۳۰۱).

این انحراف‌ها به سمت استبداد با کشمکش و درگیری بین نیروهای سیاسی-انقلابی همراه می‌شود و این توافق سرآغاز انحصار قدرت برای گروه برتر و خلع ید دیگران از قدرت و مشارکت سیاست است. در این هنگام از عصبیت‌های دیگر برای شرکت جستن در فرمانروایی ممانعت می‌شود و عصبیت ایشان مغلوب می‌گردد و آن‌چنان همه لگام زده و سرکوب‌شده که رئیس گروه حاکم یک‌تازی می‌کند... به دنبال این انحصار ائتلاف موقتی گروه‌ها از هم می‌پاشد و منازعات درونی این گروه‌های آغاز می‌گردد. این منازعات نخست میان گروه‌های عمده و مشخص صورت می‌گیرد، سپس میان فرقه‌ها و دسته‌های نه‌چندان مشخص ادامه می‌یابد و نهایتاً به منازعات شخصی می‌رسد. لذا در حلقه رهبران شکاف‌هایی پدید می‌آید و کشمکش‌ها و منازعات سلطه جویانه روی می‌دهد که به تصفیه شکست‌خوردگان منتهی می‌گردد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ۶).

این و اختلاف میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، سبب خواهد شد تا نیروهای جامعه در اثر اصطکاک تحلیل رفته، قدرت پیشرفت را از دست بدهند. تردیدی نیست که با رودررو قرار گرفتن دو عامل متضاد، نیروهای زیادی صرف خواهد شد تا عامل مقابل تضعیف گردد. در صورتی که یکی از دو طرف، قوی‌تر از دیگری باشد به پیشرفت محدودی نائل می‌شود و در صورت برابر بودن قدرت آن‌ها، هر دو طرف از فعالیت و پیشرفت بازمی‌مانند. دشمنان جامعه اسلامی نیز با استفاده از اختلافاتی که در درون یک جامعه وجود دارد، سعی می‌کنند که این اختلافات را تشدید کنند تا منجر به دشمنی و تخاصم گردد و قدرت و توانایی دو طرف در رویارویی با یکدیگر مصرف شود و زمینه بازماندن آن‌ها از ترقی، تکامل و پیشرفت فراهم گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

شاخص‌های حفظ سلامت سیاسی

برخی از ویژگی‌های مؤثر رفتاری و اخلاق سیاسی کارگزاران در حکمرانی متعالی که موجب مصون ماندن خود و حفظ سلامت سیاسی جامعه از فساد می‌شود عبارت‌اند از: -شفافیت و صداقت دولت با مردم؛ -پرهیز از پیمان‌شکنی، فریب‌کاری و خیانت‌کاری در سیاست، -عدم مانور اشرافی گری و تجمل‌گرایی مسئولان؛ - تحمل انتقادات و عدم کشاندن دعوای و منازعات سیاسی به سطح جامعه؛ -رواج اخلاقیات و معنویات و خود عدالتی در جامعه؛ که در این بخش با عنایت به سیره علوی (ع) و فرمایشات رهبر انقلاب (حفظه الله)، مطالبی به شرح زیر تبیین می‌کنیم:

۱- شفافیت و صداقت دولت با مردم:

از سیاست اخلاقی رسول گرامی اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) در حکومت‌شان، همواره ضرورت بر پرهیز از کذب و وعده‌های کاذب و شفافیت و صداقت با مردم بوده است. متأسفانه مشاهده می‌گردد، تمسک به دروغ‌گویی و استفاده ابزاری از وعده‌های کاذب جهت پیشبرد اهداف و مقاصد حکومت، از ابزارهای متداول در حوزه عمل سیاسی است. تاریخ مشحون از به کارگیری این ابزار از سوی قدرت‌های حاکم جهت نیل به مقاصدشان است، حضرت امیرالمومنین (ع) اذعان می‌دارند که هیچگاه از چنین روشی استفاده نکرده و حتی هیچ سری را جز اسرار جنگ آن هم به خاطر مصلحت خود آنان، از آنان پنهان نکرده‌اند. ایشان در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر می‌فرمایند: "ای مالک پرهیز از اینکه وعده ای دهی و خلاف آن عمل کنی (وعده کذب) دهید زیرا خلف وعده سر برانگیختن خشم خدا و مردم می‌شود، خدای تعالی می‌فرماید: خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگوید به جای نیلورید" (آیتی، ۱۳۷۶، ۳۳۵) سیره و رفتار حضرت علی (ع) در این خصوص قبل و بعد از در اختیار گرفتن زمامداری مسلمانان یکسان بوده و صداقت در گفتار و رفتار، واقع‌گرایی و پرهیز از وعده‌های بعیدالتحقق و نابه جا همواره در ایشان مشاهده است.

رهبر انقلاب اسلامی، همان‌طور که انتظار دارند که رابطه دولت و ملت، از روی همدلی و صمیمیت دوطرفه باشد تکالیفی را نیز بر عهده هر طرفین می‌گذارند، از جمله این وظایف که بر عهده دولت است، صداقت و شفافیت با مردم است، ایشان در معنای شفافیت می‌فرمایند: "معنای شفافیت این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد" (خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۸/۰۶/۲۹). همچنین ایشان در خصوص شفافیت مسئولین با مردم در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه خود، در توضیح‌نامه‌ی حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی گفتند: "این نکته‌ی بسیار مهمی است؛ این شفافیتی که حالا سر زبان‌ها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. می‌گویند «ما از غربی‌ها یاد گرفتیم این‌ها را»... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمی‌کنید، وقتی کلمات امیرالمؤمنین و رسول مکرّم اسلام را نمی‌خوانید، بلد نیستید، خب بله از غربی‌ها باید یاد بگیرید. می‌گویند بعضی‌ها، می‌شنوید که «بله این شفافیت را هم آن‌ها به ما یاد دادند»؛ خیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گویند حقّ شما بر من، یعنی حقّی که شما پیش من دارید، [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم... مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند" (جلسه‌ی درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳)

رهبر معظم انقلاب در ابتدای درس خارج فقه خود، درباره صفت‌های برجسته اخلاقی در شرح حدیثی از امام محمدصادق (ع) در باب راست‌گویی و صداقت با مردم در عمل، در خصوص معنای راست‌گویی و گفتار صادق با مردم فرمودند: "راست‌گویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که می‌زنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمی‌دانید مطابق واقع است یا نیست اما می‌گویید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما چیزی را که میدانید مطابق واقع است، بیان می‌کنید، پس اوّل «صدقُ الحَدیث» [یعنی] همه سعی کنیم راست‌تر زبان جاری کنیم. دوم: «وَصِدْقُ النَّاسِ» با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلّب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صدقُ النَّاسِ» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند این‌ها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی‌مان، سیاسی‌مان، انتخاباتی‌مان و مانند این‌ها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد" (بیانات در ابتدای درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۱۲/۱۲).

لذا از جمله جاهایی که شفافیت و صداقت ظهور و بروز می‌کند، صحنه انتخابات و زمانی است که کاندیداها در دوران رقابت‌های انتخاباتی، چه برای اولین انتخاب و چه برای تمدید دوران مسئولیت خود اقدام به بیان وعده وعیدهایی برای اقشار مختلف مردم می‌کنند، از این‌رو رهبر انقلاب صداقت را جزء آداب حتمی انتخابات دانسته و می‌فرمایند: "وعده‌های غیرعملی ندهند؛ بعضی از نامزدها، وعده‌هایی به مردم می‌دهند که خودشان هم می‌دانند از دست آن‌ها ساخته نیست؛ شما که نمی‌توانی این وعده را عملی کنی، چرا به مردم وعده می‌دهی؟ چرا مردم را امیدوار می‌کنید به چیزی که میدانید نخواهد شد؟ گاهی وعده‌های غیرقانونی می‌دهند! [می‌گویند] فلان عمل را انجام می‌دهیم درحالی‌که می‌دانند آن عمل خلاف قانون است؛ یا خلاف قانون اساسی است، یا خلاف قانون عادی است؛ وعده‌های این‌جوری هم ندهند؛ شعارهای غیرقانونی ندهند. با مردم صادقانه باید برخورد کرد؛ همه‌ی ملت ما این‌جور هستند که صداقت را احساس می‌کنند، درک می‌کنند؛ وقتی ما غیر صادقانه برخورد کردیم، ممکن است کسانی یک لمحّه‌ای و لحظه‌ای به اشتباه دچار بشوند لکن بعد حقیقت معلوم خواهد شد؛ باید صادقانه با مردم رفتار کرد، صادقانه باید با مردم حرف زد. این جزو آداب حتمی انتخابات سالم است" (بیانات در دیدار متصدیان برگزاری انتخابات، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰).

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، پایه‌ی همه‌ی خیرات در جامعه را تقوای سیاسی و برخورد صادقانه دانسته و می‌فرماید: "پایه‌ی همه‌ی خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی؛ یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده‌ی صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت‌هم‌اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره‌ی درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند" (بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵).

لذا حضرت علی بن ابیطالب (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر در توصیه به مهربانی حاکم با مردم می‌نویسند: "و اشعر قبلک الرحمة للریعة و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكونن علیهم سبعا ضاريا تغتتم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق" در قلب خود احساس رحمت، محبت و لطف به مردم را بیدار کن. مبادا مانند یک درنده که دریدن و خوردن را فرصت می‌شمارد رفتار کنی که مردم تو یا مسلمان اند و برادر دینی تو و یا غیر مسلمان اند و انسانی مانند تو و در ادامه می‌فرمایند: "مگو من اکنون بر آنان مسلط ام، از من فرمان دادن است و از آن‌ها اطاعت کردن که این عین راه یافتن فساد در دل و ضعف در دین و نزدیک شدن به سلب نعمت است" (مطهری، ۱۳۶۱: ۹۲).

و از این جهت یکی از راه‌های اصلی تحقق پیشرفت در کشور از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تکیه و اعتماد و صداقت با مردم است. معظم له از حفظ اصول و اعتماد به مردم به عنوان دو درس مهم امام خمینی (ره) یاد میکنند و فرمایند: "امام خمینی (رض) همیشه به مردم اعتماد داشت و به ما نیز آموخت که اصول خود را حفظ کنیم و به مردم نیز اعتماد داشته باشیم و بدون تردید، پایبندی به این دو اصل مهم، عامل پیروزی انقلاب اسلامی طی بیست سال گذشته بوده است" (دیدار با رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی، ۱۳۷۸/۰۷/۲۵). ایشان اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی را از جمله خطوط اصلی حرکت امام دانسته و می‌فرمایند: "امام بارها و بارها هشدار

می‌داد، این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت" (بیانات در مراسم ارتحال امام(ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴). "ما حرفمان با مردم بر مبنای اعتماد متقابل است؛ مردم به این حقیر ضعیف اعتماد کردند، بنده هم به تک‌تک این ملت اعتماد دارم؛ به این حرکت عمومی اعتماد دارم؛ معتقدم «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» اعتقاد دارم دست خدا است که دارد کار می‌کند" (بیانات در دیدار با مداحان اهل البیت(ع)، ۱۳۹۴/۰۱/۲۰)، دولتی‌ها هم بدانند که آنچه می‌تواند آن‌ها را بر انجام وظیفه خودشان قادر کند تکیه بر نیروی داخلی است؛ تکیه بر نیروی مردم است" (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷).

از نظر ایشان باید مردم به صحنه آورده شوند و از پتانسیل آن‌ها استفاده شود؛ زیرا انقلاب اسلامی هویتش با مردم گره‌خورده است و بدون مردم هیچ معنا و مفهومی ندارد. "جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم ندارد" (بیانات در دیدار مردم مازندران، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶)، توسعه باید با مردم گره بخورد، مردم باید محور توسعه باشند" (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

۲- پیمان شکنی، فریب کاری و خیانت کاری در سیاست:

یکی از مواقف مهم و گاه سرنوشت ساز در حوزه قدرت سیاسی و تصمیم گیری‌ها در حکمرانی متعالی، وفای به عهد و عدم پیمان شکنی و فریب و خیانت کاری در سیاست است که گاهی مشاهده می‌گردد، از نقض پیمان و فریب و نیرنگ جهت نیل به مقصود استفاده می‌شود. وفای به عهد آنقدر اهمیت دارد که خداوند بارها نسبت به آن توصیه فرموده است: "...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا" (اسرا/۲۴)،...و به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود، در گفتار و کردار ائمه معصومین(ع) و بزرگان دین بخصوص حضرت امیرالمومنین (ع) مشاهده می‌شود که ایشان استفاده از این روش‌های غیر اخلاقی را برای نیل به هدف مشروع نیز به کار نمی‌بردند و استفاده از این روش را مجاز ندانسته و مستوجب عذاب آخرت می‌شمردند در این راستا روایت صریحی در نهج البلاغه و مصادر معتبر شیعه ذکر شده که آشکار و مربوط به حوزه قدرت سیاسی است که حضرت در کوفه در ضمن ایراد خطبه ای می‌فرمایند: "ای مردم اگر نبود بد بودن و ناپسند بودن پیمان شکنی و خیانت هرآینه من زیرک ترین مردم بودم، ولی پیمان شکنان گناهکاران و گناهکاران نافرمان. به درستی که پیمان شکن و گناهکار (کسی که پروایی در به کارگیری هر روشی برای نیل به هدف خود ندارد) و خیانتکار در آتش خواهند بود(طباطبایی بروجردی، ۱۴۰۷: ۵۸۸)

همچنین است که امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) نقل فرموده اند که: "هر پیمان شکن مکاری روز قیامت با پیشوایش وارد محشر می‌شود در حالی که دهان او کج شده و سرانجام وارد جهنم می‌شود" بر همین اساس حضرت علی(ع) در فرمان حکومتی و سیاسی خود به مالک اشتر می‌فرمایند: "ای مالک اگر میان خود و دشمن پیمان دوستی بستی و امانش دادی به عهد و پیمان خویش وفادار بود و امانی را که داده‌های نیک رعایت نما... پس در آنچه برعهده گرفته ای خیانت مکن و پیمان را مشکن و دشمن را به پیمان فریب مده... خداوند عهد و پیمان خود را به سبب رحمت و محبتی که بر بندگان خود دارد امان قرار داده و آن را حریمی ساخته که مردم در سایه استوار آن زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند. پس نه خیانت را جایی برای خودنمایی است و فریب و حيله گری را" (آیتی، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

بنابراین مشاهده می‌شود که به کارگیری روش‌های غیر اخلاقی برای رسیدن به هدف هر چند مشروع باشد در شریعت اسلام جایز نیست و رسول خدا(ص) و حضرت علی(ع) در دوران حکومت به این امر مهم ملتزم و به شدت پای بند بوده اند.

در این خصوص مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در دیدار با کارگزاران نظام می‌فرمایند: "همه‌ی ما عهد و پیمان داریم؛ هم با خدا، هم با مردم. شما در مجلس، یک طور؛ شما در دولت، یک طور؛ شما به عنوان رئیس جمهور، یک طور؛ شما به عنوان رئیس قوه قضائیه، یک طور؛ شما به عنوان مسؤول نیروهای مسلح، یک طور؛ بنده خودم، یک طور. هر کدام ما با مردم و نظام، یک طور عهد و میثاق داریم. به یاد این عهد و میثاقمان باشیم و مواظب باشیم پیمان شکنی نکنیم و عهد خود را زیر پا نگذاریم. به یاد حساب الهی و قیامت هم باشیم. زندگی زودگذر است؛ مسؤولیت از آن زودگذرتر است. همه‌ی ما در مقابل پروردگار حضور پیدا خواهیم کرد و باید جواب بدهیم. به یاد این هم باشیم" (۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

۳- مانور اشرافی گری و تجمل گرایی مسئولان:

کسانی که در پی اجابت خواهش‌های نفس خویشانند یا به دنبال مال و ثروت حرام خواهیم رفت و به اختلاس از اموال بیت‌المال، رشوه‌خواری و مواردی از این قبیل متوسل خواهد شد و یا به دنبال پست و مقام می‌خواهیم رفت و از این طریق قدرت‌گریزه قدرتی طلبی خود را اشباع می‌کنند. جنون ثروت مقام و شهوت سبب می‌شود تا انسان به دنبال راه‌های نامشروع حرکت کنند؛ تا زمانی که این مسئله در میان افراد مطرح باشد، زیان آن متوجه آن فرد و اطرافیان او خواهد شد، اما زمانی که به‌صورت یک پدیده اجتماعی درآید، تبدیل به فتنه و بلای خواهد شد که به‌آسانی نمی‌توان آن را علاج کرد(مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۷۴).

انقلاب اسلامی که از بطن اسلام ناب نضج گرفت و هویت یافت، با تأسی از روح عدالت‌خواهی اسلام و به‌ویژه مشی ساده زیستی مولای متقیان امام علی(علیه‌السلام) همگان را به مبارزه با اشرافی گری و زندگی اشرافی فراخوانده است. این روحیه به‌ویژه در نفی آلودگی حاکمان و

دولتمردان به اشرافیت و خوی کاخ‌نشینی خود را بیشتر نشان داد.

حضرت امام خمینی (ره)، در سال‌های ابتدایی انقلاب و سقوط حکومت طاغوت تا روزهای پایانی عمر بابرکشان بارها به تبیین دلایل سرنگونی حکومت طاغوت و علت نابودی آن‌ها اشاره می‌کردند و در سخنان گوه‌ربارشان به‌دفعات بر این موضوع تأکید داشتند که اشرافیت و ثروت‌اندوزی مسئولین سبب انحطاط و نابودی حکومت پهلوی شده است. ایشان مال‌اندوزی را آفت خطرناکی برای جامعه می‌دانستند زیرا وقتی که اشراف متصدی امور کشوری شدند این‌ها مردم را به حساب نمی‌آورند. اشراف افکارشان تماماً متوجه به این مسائل است که باید مدام بر ثروت خود بیفزایند و این دغدغه سبب جدا شدن اشراف از مردم و کسب ثروت از هر طریقی می‌شود (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۰).

حضرت امیرالمؤمنین (علی) (ع) برخلاف روش متداول زمامداران، در دوران حکمرانی و زمامداری در استفاده از مواهب دنیوی مانند غذا و لباس، خود را در مضیقه بیشتر قرار داده و بر نفس خویش سخت‌گیری مضاعفی وارد می‌کردند. حضرت امیرالمؤمنین علی با این نگرش اخلاقی و با این احتمال که شاید در قلمرو حکومتی وی و در بلاد دوردست شخصی وجود داشته باشد که با شکم گرسنه سر بر بالین گذارد، با آنان در گرسنگی احتمالی همدردی می‌کرد.

حضرت علی (ع) در نامه به عثمان بن حنیف فرمودند: "پیشوای شما از مواهب دنیا به دو جامه کهنه و از طعام به دو قرص نان اکتفا نموده" و سپس به وی یادآور شدند: "اگر می‌خواستیم غذای خود را از عسل مصفی و مغز گندم قرار دهیم و جامه‌های خویش را از حریر و پارچه‌های گران‌قیمت قرار دهیم برای من امکان‌پذیر بود، ولی دور باد که هوی و هوس بر من غلبه کند و من چنین روشی اختیار کنم و شاید در حجاز و یمامه کسی باشد که نان نداشته باشد و با شکم گرسنه سر بر زمین بگذارد. آیا من با شکم سیر بخوابم و در اطراف من شکم‌های گرسنه باشد و قناعت کنم به این که مرا امیر مؤمنان گویند ولی در فقر با آنان مشارکت نکنم و به خوردن غذاهای لذیذ بپردازم؟" (محدث قمی، ۱۳۷۷، ۱۹۵) از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از مشکلات ما در سبک زندگی اسلامی، اشرافی‌گری است؛ ایشان در این خصوص می‌فرمایند: "یکی از مشکلات ما اشرافی‌گری است. اشرافی‌گری متأسفانه از طبقات بالا سرریز می‌شود به طبقات پایین؛ آدم متوسط، [یعنی] از قشرهای متوسط، هم وقتی می‌خواهد میهمانی بگیرد، وقتی می‌خواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی می‌گیرد. این عیب است، این خطا است، این ضربه به کشور می‌زند" (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).

یکی از مهم‌ترین وجوه عدالت در یک جامعه تحقق عدالت اقتصادی است. عدالت اجتماعی و اقتصادی آنگاه در جامعه تحقق می‌یابد که رفتار و روابط اجتماعی و اقتصادی بر میزان حق تنظیم‌شده باشد. واژه عدالت با واژه حق گره‌خورده است. اگر حقوق افراد جامعه بر اساس موازین الهی محقق شود عدالت رعایت شده است. عدالت اقتصادی وضعیتی است که هر یک از افراد جامعه به‌حق خود از ثروت و درآمد جامعه دست‌یافته باشند؛ منشأ ایجاد حق هم بر انسان‌ها بر اساس رابطه غایی انسان‌ها با مواهب طبیعی و نعمت‌های خدادادی است؛ به عبارت دیگر گفتمان انقلابی اسلامی نگاهی توأمان و هم‌زمان به دنیا و آخرت دارد و همان‌گونه که ساخت آخرت و سرای باقی را مهم می‌شمارد و رفاه و آسایش دنیای جامعه را هم مدنظر دارد که عدالت اقتصادی یکی از ابزارهای تحقق این هدف است.

همچنین ساده زیستی مسئولین و مبارزه با اشرافی‌گری یکی از محورهای مفهوم عدالت اقتصادی در گفتمان انقلاب اسلامی است. متأسفانه تجمل‌گرایی و فخرفروشی حاکم بر فضای جامعه، افراد را وادار می‌سازد تا برای داشتن چهره موجه در نظر دیگران، به راه‌های غیرشرعی برای کسب روزی دست بزنند و این موضوع در سطح کلان فاجعه‌بار است (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۰).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در برشماری ابعاد خط امام (ره) در حوزه عدالت؛ رفاه شخصی، مال‌اندوزی و زندگی اشرافی را جزء آفات مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی دانسته و می‌فرمایند: "آفت مسئولیت در یک نظام که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافی‌گری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت به کلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم‌بارها توصیه می‌کرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافی‌گری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند... این‌ها ناظر به آن بُعد عدالت امام بزرگوار بود. از نظر امام بزرگوار، تکیه‌ی به ثروت و تکیه‌ی به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود؛ این‌ها ابعاد خط امام است" (بیانات در مراسم ارتحال امام (ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: "در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به‌ویژه خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌روی موردقبول نیست" (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) همچنین ایشان یکی از آفات ثروت را سوءاستفاده از آن می‌دانند و می‌فرمایند: "«و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف

نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت زن؛ می‌گویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده‌ی خوب بکن که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است" (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

۴- عدم تحمل انتقادات و کشاندن دعوای و منازعات سیاسی به سطح جامعه:

ستم به خلق ستون خیمه سیاست غیراخلاقی است که در طول تاریخ بشر با قدرت سیاسی آمیخته شده است. ظلم به معنای تعدی از حدود است. این معنای عام از ظلم به تعبیر برخی از بزرگان انواع رذایل و ارتکاب انواع افعال زشت قبلی و شرعی را شامل می‌شود. در روایات اسلامی ظلم والی به معنای عام، به عدل و داد رفتار کردن آمده است. رعایت عدل و داد و نیز در معنای گسترده آن به تعبیر کلامیون "اعطا کل ذی حق حقه" در تمام حوزه‌های حیات اجتماعی، سیاسی و توزیع منابع و امتیازات است. از رسول اسلام (ص) مروی است که: "پست‌ترین و ذلیل‌ترین مردم در نزد خداوند کسی است که امر مسلمانان در اختیار او باشد و میان ایشان به راستی و عدالت رفتار نکند" (اخوان، ۱۳۹۷: ۳۰) و لذا می‌توان از مظاهر ظلم و تعدی به حقوق عامه مردم را عدم تحمل انتقادات و کشاندن دعوای و منازعات سیاسی به سطح جامعه دانست از این رو پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: "بهترین برادران شما، کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد" (تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۲۳) و نیز امام علی (ع) می‌فرماید: "هر کس عیب تو را برای آشکار کرد، او دوست توست" (غرر الحکم: ج ۸۲۱۰).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، پیرامون عدم درگیری علنی مسئولان بیانات متعددی دارند: "همان‌طور که قبلتر نیز گفته شد، مسئولین نباید اختلافات خود را به فضای علنی کشور بکشاند تا موجب یاس و ناامیدی جامعه گردد" ایشان در بیانات متعددی کشاندن اختلافات سیاسی به فضای علنی را موجب فراموشی اولویت‌های خدمت‌رسانی به جامعه می‌دانند: "امروز مهمترین مسئله ما این است که بتوانیم شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی را پر کنیم... این که من گاهی نهیب می‌زنم فلان مسئله فرعی و جناحی با دعوای سیاسی را وارد میدان مناقشات عمومی نکنید به خاطر همین است و الا این که دو جناح حزب درصد مسئله با هم اختلاف داشته باشند و بر سر و کله هم بزنند به هیچ جای کشور صدمه ای نمی‌زند انتظار بنده از مجلس دولت و مسئولان در همه رده‌ها این است به معنای واقعی کلمه و مسائل اساسی کشور را بشناسیم" (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲).

رهبر انقلاب در جای دیگر نیز توجه به مسائل اساسی را مهمترین عامل انتظار مردم برای عدم دعوای سیاسی مسئولین می‌دانند: "مردم حق هم دارند. طبقات ضعیف و مستضعف مردم گرفتاری‌های زیادی دارند. بعضی‌ها باید این بحث‌های سیاسی تشنج داور را رها کنند و به کارهای اساسی و عملی بپردازند؛ مردم از مسئولان این انتظار را دارند که مرتب دعوای سیاسی می‌شود" (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۱۲/۱۱).

همچنین ایشان بسیاری از منازعات سیاسی مسئولین را در راستای حزب‌گرایی تفسیر می‌کنند: "من همیشه هشدار داده‌ام که منازعات سیاسی نمی‌گذارد مسئولان کار کنند، آن مسئولی که سرگرم (آری) یا (نه)‌های حزبی و گروهی و جناحی و سیاسی است، فرصت ندارد وقت خود را صرف امور مردم کن" (بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰).

رهبر انقلاب، به‌رغم این که همگان را به حمایت صحیح از دولت‌ها دعوت می‌کنند، ولی دولت‌ها را نیز به پذیرش انتقادات صحیح منتقدین روی گشاده و آغوش باز توصیه می‌نمایند دعوت می‌کنند: "شما در شنیدن انتقادات سعه‌ی صدر داشته باشید، یعنی اگر واقعاً انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتی من می‌خواهم به شما توصیه کنم، تخریب‌ها را هم تحمل کنید" (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲).

همچنین ایشان دولت یازدهم و دوازدهم را به پذیرش صدای مخالفین و انتقاد، دعوت می‌کنند: "تحمل مخالف؛ بلکه تا یک کسی یک مختصر تنه‌ای زد به ما، ما برگردیم با مشت به سینه‌اش بکوبیم؛ این عدم تحمل است. اسلام این را از ما نمی‌خواهد؛ اسلام عکس این را از ما می‌خواهد؛ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ" (بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳). "انتقاد اشکالی ندارد، بلکه لازم است؛ انتقاد برای اصلاح لازم است، انتقاد یک عمل دوستانه است، عمل خصمانه نیست؛ وقتی شما انتقاد می‌کنید یک عمل دوستانه است؛ همین «لَمْؤْمِنٌ مِرَأَةً لِّلْمُؤْمِنِ» [یعنی] آنچه را در طرف مقابل وجود دارد که عیب در او است و مورد انتقاد شما است، شما آن را درمی‌آورید، به او می‌گویید، این بسیار کار خوبی است؛ انتقاد باید انجام بگیرد" (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵). رهبر انقلاب در بیانات متعدد، بر اتحاد مردم و مسئولان اصرار می‌کنند: "... اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد" (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

۵- عدم رواج اخلاقیات و معنویات و خود عدالتی در جامعه:

متأسفانه کمرنگ شدن فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه، موجب شده است که دین‌داری در حد برگزاری برخی از شعائر دینی خلاصه شود و به سایر دستورات کارگشای دینی و اخلاقی عمل نشود. کمرنگ شدن اخلاقیات و فضایل دینی و اسلامی موجب شده که پول‌داری و تجمل‌گرایی، ولو با سوء استفاده از بیت‌المال و راه‌های غیرقانونی، موجه‌تر از زندگی ساده، ولی پاک دستانه به نظر آید (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تعریف معنویات می‌فرماید: "معنویت به معنی، برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است" و در تعریف اخلاق می‌فرماید: "اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است" معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

معلم له، در توصیه‌های خود در بیانیه گام دوم انقلاب به مسئولین، می‌فرماید: "شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً، خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را بازور و فریب، جهنمی کنند" (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

از این رو رهبری معظم می‌فرماید: "سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاست‌اند، وسیله‌ی کمال و راه بهشت است... اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا شد، آن وقت سیاست ورزی می‌شود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا این سیاست می‌شود آفت" (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰).

لذا ایشان، تقویت حرکت دینی را باعث کمک به پیشرفت مادی می‌دانند و می‌فرمایند: "باید حرکت دینی در کشور تقویت شود که این موضوع به پیشرفتهای مادی نیز کمک خواهد کرد" (بیانیه در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۵/۰۵/۳۰).

از طرفی کبر و غرور و خودپسندی از جمله رذائل اخلاقی است که در سیاست منشأ آثار نامطلوبی دارد، از امام محمد باقر (ع) روایت شده که می‌فرماید: "تکبر و خودپسندی از مرکب‌هایی است که انسان را به دوزخ رهنمود می‌کند" و همچنین نبی اسلام (ص)، می‌فرماید: "بیشترین اهل جهنم از متکبرانند" (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ۲۲۲).

ممکن است گفته شود که تکبر لازمه ابهت والیان، کارگزاران و ابزارهای اطاعت و پیروی مردم و مخاطبان آن از رفتارهای متعارف و کلاسیک حکام که سبب ترس و واهمه می‌شد رفتار متکبرانه بود است. حضرت علی (ع) در خصوص لزوم پرهیز والیان و حکمرانان از کبر و غرور و تفاخر می‌فرماید: "از سخیف‌ترین ویژگی‌های والیان در نزد مردم صالح آن است که مردم پندارند که آنان دوستدار فخر و مباهات‌اند و بنای کار و حکومت خود را بر کبر و غرور می‌نهند" (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷) بر همین اساس در فرمان حکومتی به والی خویش می‌فرماید: "ای مالک، از خودپسندی و از اعتماد به آنچه موجب عجب و خودپسندی شده و نیز از دلبستگی به ستایش و چرب زبانی‌های دیگران پرهیز کن، زیرا یکی از بهترین فرصت‌های شیطان است برای تاختن تا کردارهای نیکوی نیکوکاران را نابود سازد" (آیتی، ۱۳۷۶: ۳۳۵).

از لحاظ سیاسی کبر و غرور یکی از عوامل مهم استبداد و خودکامگی و قلع و قمع دیدگاه‌ها و نظرهای مختلف است که نتیجه آن ندانستن حاکم از دیدگاه‌های منتقد و بعضاً سازند است، این خودکامگی به تعبیر ابن خلدون در بحث چگونگی زوال دولتها و حکومتها یکی از عوامل قابل توجه در فروپاشی قدرت نظام سیاسی است (اخوان، ۱۳۹۷: ۲۹).

لذا عدالت زمانی حاکمیت کلی پیدا می‌کند که انسان بر خویشتن و بر هوای نفسانی‌اش مسلط شود و به‌ویژه زمانی که جامعه رشد کافی کند و درصدد اجرای عدالت برآید؛ یعنی تک‌تک افراد مصمم شوند عدالت را در مورد خود و جامعه مراعات کنند، شهید استاد مطهری (ره) می‌گوید: "از نظر اسلام حق هم‌گرفتنی است و هم‌دادنی، یعنی از دو جنبه باید بر استیفای حق مبارزه کرد"، یعنی به همان اندازه که انسان موظف است حق خود را بگیرد، بایستی از پذیرفتن آنچه حقش نیست، نیز خودداری ورزد، بنابراین در اجرای عدالت باید به مرحله «خود عدالتی» برسیم، یعنی انسان با صرف‌نظر از اینکه عدالت در جامعه اجرا شود یا خیر، باید بر برخورد با دیگران عادلانه رفتار کند (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۴۴۶). بنابراین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، بخصوص مسئولان عالی رتبه، در سطوح دولت و معاونین و از این قبیل را بسیار مهم دانسته و آن‌ها شاخصه‌ای می‌دانند که دولتمردان باید از لحاظ اعتقادی و اخلاقی اشخاص سالمی باشند (بیانات

در دیدار رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶).

علل و عوامل شکل‌گیری فساد سیاسی در کشور:

در این قسمت به برخی از علل و عوامل شکل‌گیری فساد سیاسی به صورت مختصر می‌پردازیم:

۱- ریشه‌های اخلاق فردی:

از عوامل اصلی و مهم در ایجاد فساد، می‌توان به وجود ضعف در ریشه‌های اخلاق فردی از جمله، زهد و تقوا و ایمان به مفهوم واقعی آن در برخی از مدیران و کارگزاران دانست، (که مجال شرح آن در این نوشتار نیست) که منجر به ایجاد مفسد شده و به دنبال آن فساد را در بدنه نظام به همراه می‌آورد، بنابراین رهبر انقلاب می‌فرماید: "یک مفسد فقط خودش مفسد باقی نمی‌ماند، دیگران را هم به دلایل مختلفی به فساد سوق میدهد" (بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه، ۱۳۹۹/۰۴/۰۷)

۲- وجود بسترهای قانونی و مقررات:

مقررات پیچیده، قوانین مبهم و سایر موارد مشابه از این جمله هستند. هرچند بسیاری از مقررات باهدف شکل‌دهی مناسب به روابط میان افراد شکل گرفتند ولی برخی ساختارهای بوروکراتیک اداری موجب تشدید این مقررات شده و خود به عامل و انگیزه‌ای برای خروج بنگاه‌ها از بخش رسمی اقتصادی باهدف فرار از مقررات سختگیران تبدیل می‌شوند (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۴)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در خصوص قوانین مبهم در همان روزهای ابتدایی رهبری خود، به مسئولین متذکر شده‌اند و با اشاره به درخواست اخذ رشوه توسط کارمندی از مراجعه‌کننده‌ای، می‌فرماید: "...کارمند می‌گوید: آیا این پول را می‌دهی یا نمی‌دهی؟ اگر بدهی، طبق این بخشنامه عمل می‌کنم و کارت انجام می‌شود و اگر ندهی، طبق بخشنامه‌ی دیگر عمل می‌کنم که کارت انجام نشود! یعنی دو بخشنامه وجود دارد و راه برای من باز است! این‌ها قوانین مبهمی است که از متن آن می‌شود دو بخشنامه‌ی متناقض درآورد، یعنی اگر پول داد، این مأمور دولتی «له‌الخیار» می‌تواند بر طبق این بخشنامه عمل کند و اگر نداد، می‌تواند بر طبق آن بخشنامه عمل نماید! ... در حال حاضر، ما قوانین متناقض و خلاف شرع و مبهم داریم... باید ابهام قوانین مبهم و تناقض قوانین متناقض برطرف بشود" (بیانات در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰).

۳- ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی:

یکی دیگر از مهم‌ترین عامل بروز فساد ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی است؛ به گونه‌ای که اگر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش‌های مادی‌گرایان، فردگرایانه و مصرف‌گرایان باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال دارد و پیامد آن‌ها شکل‌گیری فساد، در همه سطوح و لایه‌های اجتماعی خواهد بود. هر چه سطح اخلاقی و عمومی بالاتر باشد، هزینه‌های روانی و اخلاق فساد اداری بیشتر خواهد شد؛ چراکه فرد در اثر ارتکاب به عمل خلاف، رنج بیشتری متحمل می‌شود. از طرف دیگر، هر چه سطح اخلاق کارمندی در محیط کار بالا باید باهدف خطر کشف تنبیه و هزینه‌های حیثیتی آن افزایش می‌یابد و شرم‌سازی مرتکبین فساد بیشتر خواهد شد (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۴).

۴- ریشه‌های سیاسی:

عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی بازرسی و حراستی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج از سازمان، فساد سیاستمداران عالی‌رتبه، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات و عدم آگاهی مردم از حقوق سیاسی خود در برابر قانون از عوامل سیاسی تسهیل‌کننده تخلفات است (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۴).

بطور مثال، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب، چالش درونی را عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی دانسته و وابستگی اقتصاد به نفت را یکی از مهم‌ترین این عیوب می‌دانند. در جامعه‌ای که تولید در آن جایگاهی ندارد و از حمایت‌های لازم برخوردار نیست و برعکس فضا برای مشاغل کاذب، دلالتی و اقتصاد زیرزمینی فراهم است، شیوع فساد هم تعجب‌آور نخواهد بود. وابستگی شدید به نفت، اقتصاد را رانتی خواهد نمود در چنین اقتصادی، سرباز کردن زخم‌های چرکی ناشی از فسادهای کلان دور از انتظار نیست (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

راه‌های مبارزه با فساد و حفظ سلامت سیاسی در حکمرانی متعالی

بنابراین ریشه کن نمودن فساد و کسب سلامت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در کشور شاه کلید گشایش بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه و تحقق حکمرانی متعالی است، بنابراین نیازمند اصلاحات نهادی عظیمی می‌باشد که به صورت کلی می‌توان نهادینه کردن مفهوم محوری «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین کلان‌گفتمان‌های انقلاب اسلامی نام برد؛ که همواره جزء دستورات خدا و ادیان بوده و از مطالبات اصلی امامین انقلاب و نیروهای مؤمن، انقلابی و دلسوز نظام می‌باشد:

گفتمان عدالت و مبارزه با فساد:

«عدالت» را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم کلان گفتمان انقلاب اسلامی دانست. درواقع یکی از عوامل خیزش انقلابی ملت ایران در برابر نظام ستم‌شاهی، گسترش تبعیض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و عدم توجه به اقشار پایین دسته جامعه بود. عدالت آرمانی بلند و انسانی است و کمتر فرد یا جامعه را می‌توان پیدا کرد که در پی تحقق این آرمان نباشد (اخوان، ۱۳۹۸: ۳۲۷).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص عدالت می‌فرمایند: «عدالت در صدر هدف‌های اولی‌های همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیعصر (ارواحنا فداء)، میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

خداوند در قرآن، هدف از ارسال رسل با معجزات و انزال کتب آسمانی و میزان را ترغیب مردم به قیام برای برقراری «قسط و عدل» برمی‌شمارد و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ» (سوره حدید، آیه ۲۵) درواقع، در اندیشه‌های سیاسی اسلام، زیربنای همه اصول «عدالت» است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل‌های هدایت فرستادیم و به آنان کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا کنند؛ بنابراین قرآن کریم، استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف اصلی و فلسفه انبیاء دانسته و آن را از صفات الهی و بارزترین ویژگی آفرینش و نیکوترین خصلت انسان معرفی کرده است. در بیانات پیامبر(ص) و سیره نبوی مؤیدات بسیاری دال بر اهمیت عدالت و ضرورت عدالت‌پیشگی حکومت و کارگزاران نظام سیاسی وجود دارد (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۲۹۰).

رهبر انقلاب با اشاره به این آیه شریف می‌فرمایند: «اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند... پس هدف شد عدالت. هدف نظام سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است» (بیانات در دومین اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). ایشان درجایی دیگر، با اشاره به این آیه می‌فرمایند: «استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی؛ این‌ها جزو آرزوهای بزرگ است. اصلاً در قرآن، اقامه‌ی قسط را مسئله‌ی اصلی و هدف پیغمبران می‌داند: (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) ما [هم] راه پیغمبران را می‌رویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم می‌رویم؛ بنابراین قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمی‌شود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

همچنین می‌توان، اهمیت مسئله گفتمان عدالت را در اسلام به‌عنوان یکی از عوامل محوری برشمرد که در کلان گفتمان انقلاب اسلامی به آن تکیه شده است، «گفتمان اسلامی، طرفدار عدالت است، طرفدار آزادی بشر است، طرفدار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرفدار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شما است» (بیانات در دانشگاه افسری پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

همان‌طور که اشاره شد، «عدالت» را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم کلان گفتمان انقلاب اسلامی دانست که همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مطالبات گفتمان انقلاب اسلامی و امامین انقلاب مطرح بوده، در این خصوص امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) می‌فرمایند: «در انقلاب اسلامی ما که یک حرکت دینی بود، به‌طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشته و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان‌الله علیه)، در گفتمان‌های موضعی و در زمانه‌ای مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود» (بیانات در دومین اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

شهید مطهری به‌عنوان یکی از ثنویسین‌های انقلاب در خصوص عدالت می‌گوید: «عدالت ناموس اصلی جهان است. در همه نظام‌های هستی، اصل عدالت و انتظام به‌کاررفته است، جهان به عدالت و تناسب برپاست، لهذا اگر کسی از عدالت تخطی کند و اگر فردی از حد استعداد و قابلیت طبیعی خود پا فراتر گذاشت، می‌تواند برای مدت معینی امتیازات و منافع تحصیل کند، ولی خداوند عدالت و انتقام او را تعقیب خواهد کرد» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم نقشه راه حرکت چهل ساله آینده انقلاب اسلامی برای همه دلبستگان و فعالان این انقلاب است که باید آن را سرلوحه برنامه ریزیها و اقدامات خرد و کلان در حوزه‌های حاکمیتی و اجتماعی قرار داد که پیش نیاز هر گونه حرکت در مسیر آن، مستلزم فهم درست آن و اندیشه ورزی و ژرف نگری در این بیانیه اساسی است.

تمدن غربی در دوره جدید خود بر مبنای ستیز با معنویت بنا شده، مدرنیته با اصالت به عنوان اومانیزم، راسیونالیسم، لیبرالیسم و سیانیسم،

آنچنان بر باطل دنیاگرایی و آخرت‌گریزی کوبید تا کسی جرات نکند دین، عرفان، اخلاق و معنویت را در حوزه امور اجتماعی وارد کند. جنگ با معنویت و طرد آن از حوزه عمومی پیامدهای تلخ و وحشتناکی از جمله، استعمار، جنگهای خانمانسوز بین المللی، ایجاد دولت های دست‌نشانده و دنیا پرستی و مادی‌گرایی را برای بشر به ارمغان آورد؛ که در چنین اوضاعی وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل (ره) انفتاح عظیمی را در عالم رقم زد و با بنیانگذاری نظامی اسلامی بر اساس اسلام سیاسی و بر مبنای خداواری و اخلاق و معنویات نور آمیدی در دل ملت‌های مظلوم روشن نمود و شیوه‌ای نو در شیوه‌های حکمرانی جهان معاصر، تحت عنوان حکمرانی متعالی را متجلی نمود، حکمرانی که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح شده است. و بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند.

از این سبب، رهبر حکیم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه را از برکات انقلاب اسلامی نامیده و می‌فرماید: "پس از پیروزی انقلاب رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد... و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاد که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده حال منزوی کرده" و این نکته به معنای این است که معنویت و اخلاق در انقلاب اسلامی نه در رهبانیت و گوشه‌های اعتزال که در شالوده‌شکنی جذابیت‌های ظاهری غربی بنا شد، بنابراین دارای اصالت و اعتبار است و اساساً در این بستر باقی‌مانده است و رشد می‌کند.

بنابراین، بر اساس تفسیر آیه سی سوره مبارکه روم، "أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ" در نظام‌های ارزشی، اکثر جوامع بشری فطرتاً پاک و الهی هستند، لذا گرایش به دین و مفاهیم فطری امری ذاتی و در مقابل، انحراف از این امور، امری عَرَضی است؛ لذا یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود سرنوشت یک ملت تغییر کند و به سمت‌وسوی غیر فطری و غیر الهی کج شود، دستگاه حاکم بر مردم یا کارگزاریانی هستند که ممکن است با خطاهای خود بر این انحراف تسری ببخشند؛ زیرا که برخی تعبیر روایی همچون «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» و یا: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» حکایت از تأثیرپذیری قهری امت از کارگزارانشان دارد که به معنای یک اثرپذیری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است.

در این زمینه رهبر انقلاب بی‌توجهی به شعارهای انقلاب را عامل بسیاری از مشکلات دانسته و می‌فرماید: "و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ ۴۰ ساله نمی‌بود که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت" لذا برخی از مصادیق این بی‌توجهی به آرمان‌های انقلاب در نگاه رهبر انقلاب عبارت‌اند از: خام‌فروشی تکنوکرات‌ها و مانور اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی پس از دوران جنگ تحمیلی، کپی‌برداری ناشیانه از توسعه‌گرایی، فوران عقده انحرافیون نسبت به اصول انقلاب بخصوص در فتنه ۸۸، نادیده گرفتن عزت ملی و دل بستن به وعده دشمنان انقلاب، کمرنگ شدن عدالت، تساهل فرهنگی، سیاست خارجی ضعیف و... همچنین انحراف ایجادشده در برخی افراد و جریانات خاص که به‌عنوان میکروب ارتجاع در داخل انقلاب با خصلت‌ها و روحیاتی از جمله، راحت‌طلبی، فساد و سرگرمی‌های بازدارنده و ... انتشار می‌یابد.

لذا در حکومت دینی گذاره‌ای پیچیده به‌عنوان (همانی سیاست و دیانت) وجود دارد؛ که در آن روش‌های دینی همان روش‌های سیاسی است و روش‌های سیاسی همان روش‌های دینی؛ اهداف دینی همان اهداف سیاسی است و اهداف سیاسی همان اهداف دین. این گزینه‌ها اگر در دین برای یک هدف محدود باشند در حکومت دینی نیز محدودند اگر روش‌های رسیدن به یک هدف در دین خاص و منحصر به فرد باشند در حکومت دینی نیز روش‌های رسیدن به همان هدف خاص و منحصر به فرد خواهند بود؛ اما از طرف دیگر همه راهبردها و تاکتیک‌ها قابل بهره‌گیری در سیاست مجاز به استفاده در حکومت استفاده در دینی نیستند و همین‌گونه در باب اهداف و غایات می‌باشد (خاکی، ۱۳۹۷: ۲۵۹)

بنابراین تحکیم معنویت و اخلاق در نظام اسلامی و حکمرانی متعالی یک راهبرد سیاسی محسوب نمی‌شود بلکه از وظایف ذاتی آن محسوب می‌شود؛ بنابراین شخص حکومت و نظام اسلامی خود باید متخلق به معنویت و اخلاق بوده و مروج آن باشند و با هر ابزاری و هر فرد آن‌هایی که تمامی غفلت و ولنگاری را تعویض می‌نمایند مقابله نماید. لذا معنویت و اخلاق که در میان اکثریت جامعه به‌عنوان بخش مهم از زندگی شخصی و اجتماعی جریان دارد و یا بخش اندکی که تقید چندانی به این امور ندارند، بازهم از اصول محسوب شده و در نظر هردو طیف کارگزار و حاکمیت معنوی و بااخلاق بر کارگزار و حاکمیت مادی‌گرا و لاقد ار جحیت دارد.

از این‌روست که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم الزامات تحکیم و ترویج معنویت و اخلاق را در جامعه به شرح زیر برمی‌شمارد: تحکیم معنویت

و اخلاق محتاج جهاد و تلاش است؛ که این‌ها بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت؛ با دستور و فرمان به دست نمی‌آید پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را به قدرت قاهره ایجاد کند؛ اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق با شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را به زور و فریب جهنمی کنند این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست" (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

پس پرواضح است که پرداختن به معنویت و اخلاق می‌تواند بر ضریب اعتماد عمومی میان مردم و حاکمیت افزوده و مسیر پیشرفت را برای کشور هموار نماید و طبیعی است که در فضای بی‌اعتمادی ناشی از بی‌اخلاقی، نه تنها دین و معنویت در کشور آسیب می‌بیند که اقتصاد امنیت و فرهنگ و ... نیز با چالش و بحران مواجه می‌شود از این رو رعایت اخلاق و معنویت بیش از همگان بر کارگزاران حکومتی و مسئولین کشور در جهت تحقق حکمرانی متعالی لازم است؛ زیرا افکار عمومی تفکیک واضحی از نظام اسلامی و کارگزاران آن در ذهن نخواهند کرد به همین دلیل، زوال سرمایه اجتماعی که بر اثر یک بی‌اخلاقی اقتصادی مثل رشوه یا اختلاس که در یک مجموعه حاکمیتی حادث می‌شود، اثر منفی بیشتری از فقر و بیکاری در جامعه بر افکار عمومی می‌گذارد.

پس بنا بر آنچه گفته شد مهم‌ترین مظاهر و پیامدهای جدایی اخلاق و معنویات از سیاست به وجود آمدن مفسد و بروز فساد سیاسی در بدنه دولت حاکم است که لازم است جهت تحقق حکمرانی متعالی ویژگی‌ها و شاخصه‌های موثر رفتاری و اخلاق سیاسی در کارگزاران نظام برای مصون ماندن خود و حفظ سلامت سیاسی جامعه از فساد تقویت گردد، پس می‌توان به شاخصه‌هایی از جمله: - شفافیت و صداقت دولت با مردم؛ - پرهیز از پیمان‌شکنی، فریب‌کاری و خیانت‌کاری در سیاست، - عدم مانور اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی مسئولان؛ - تحمل انتقادات و عدم کشاندن دعوای و منازعات سیاسی به سطح جامعه؛ - رواج اخلاقیات و معنویات و خود عدالتی در جامعه؛ اشاره نمود.

که در جهت تحقق این شاخصه‌ها لازم است، با تبعیت از سیره رفتاری علوی (ع) و فرمایشات رهبر انقلاب (حفظه الله) و همچنین توجه به اخلاق فردی، کنترل بسترهای قانونی و مقررات، توجه به ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی و ریشه‌های سیاسی در جهت شکل‌گیری فساد سیاسی جلوگیری به عمل آورد و با اهتمام و توجه به «گفتمان عدالت» به عنوان که یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم در اسلام و در کلان گفتمان امامین انقلاب اسلامی، به مبارزه با فساد در جهت حفظ سلامت سیاسی و صیانت از آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

۶- تقدیر و تشکر و پیوست‌ها

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیه)، جای دارد صمیمانه ترین تشکر و قدردانی‌ها را از استاد فرهیخته و انقلابی خود جناب آقای دکتر مسعود جعفری نژاد داشته باشم که همواره در طول این سالهای تحصیلات تکمیلی در رشته مهم علوم سیاسی بهترین دیدگاه‌ها و بینش‌ها را در تحلیل مسائل سیاسی به ما آموخته و همواره در جهت کسب علم و افزایش مطالعات یاری رسان و مشوق دانشجویان بوده اند.

لذا از درگاه ایزد منان دوام عزت و سلامت و تداوم حضور ایشان را مسئلت دارم و ان شاء الله در زیر سایه حضرت بقیه الله العظم (روحی و ارواحنا لمقدمه الفدا) و منویات نائب برحقشان حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) موفق و پیروز باشند. (آمین)

مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] نهج البلاغه، ترجمه شیروانی، علی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معرفت.
- [۳] اخوان، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۸). انقلاب در گام دوم، تهران: برهان، چاپ اول.
- [۴] اخوان، محمدجواد (۱۳۹۷). اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی، تهران: برهان، چاپ اول.
- [۵] امام خمینی (ره) (۱۳۸۹). صحیفه امام (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مجموعه ۲۲ آثار، چاپ پنجم.
- [۶] آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۶). ترجمه نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، جلد دوم.
- [۷] خاکی، محسن (۱۳۹۷). چالش‌های یک حکومت خاص، تهران: کمال اندیشه
- [۸] خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). ولایت و حکومت؛ مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی، گردآوری بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی). تهران: موسسه ایمان جهادی.
- [۹] طباطبائی بروجردی، سید حسین (۱۴۰۷ق). جامع احادیث الشیعه، قم: منشورات مدینه العلم، جلد سیزدهم.
- [۱۰] طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۶۰). اخلاق ناصری، مجتبی مینویی، تهران: خوارزمی
- [۱۱] عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مشهد، موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول
- [۱۲] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ: دوم، ج ۷۵، ص ۴۶، باب ۱۶
- [۱۳] محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۷۷). منتهی الامال، چاپ علمی.
- [۱۴] مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ
- [۱۵] مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). آشنایی با علوم اسلامی، قم: انتشارات صدرا، چاپ بیست و چهارم.
- [۱۶] مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). سیری در نهج البلاغه، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- [۱۷] مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). فلسفه اخلاق، قم: انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم.
- [۱۸] نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۸۷). معراج السعاده، انتشارات هجرت، جلد یک.
- [۱۹] هاشمیان، سید حسین، همتیان، علی‌اصغر (۱۳۹۴). آیات اخلاقی (برگزیده از کتاب اخلاق در قرآن)، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ ششم.
- [۲۰] ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۶). فساد سیاسی از نظر برخی از متفکران مسلمان، فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۱۹-۱
- [۲۱] ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۶). مفهوم کارآمدی سیاسی در اندیشه متفکران اسلامی، فصلنامه زمانه، شماره ۵۹.
- [۲۲] پور آقایی، سپیده، (۱۳۸۳)، "شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی"، فصل نامه گزارش، شماره ۱۵۴، ص ۶۲
- [۲۳] ترابی، یوسف، پیروز فر، مهدی (۱۳۹۷). دولت مطلوب و کارآمد سیاسی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۳-۲۶
- [۲۴] رحمتی، مهدی، (۱۴۰۰)، الزامات حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت سازی، اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی، قابل دسترسی در: www.governanceschool.ir
- [۲۵] رزگر، ابراهیم، امانلو، حسین (۱۳۹۵). شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶
- [۲۶] رودگر، محمدجواد (۱۳۸۳). نقش اخلاق و عرفان در نظام سیاسی اسلام، مجله حکومت اسلامی، شماره ۳۵.
- [۲۷] طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۳). مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۸ و ۱۹
- [۲۸] محمدرضایی، محمد (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق از دیدگاه استاد مطهری، فصلنامه قیسات، شماره ۳۰ و ۳۱
- [۲۹] مسعودی، جهانگیر، ساداتی زاده، سید جواد (۱۳۹۴). رابطه اخلاق و سیاست، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم، شماره ۳

- [۳۰] مظفری، آیت (۱۳۸۵)؛ تئوری وحدت سیاست و معنویت از منظر امام خمینی (ره)، مجله انقلاب اسلامی، شماره ۱۳
- [۳۱] نجفی، رحمان، نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۰)، الزامات تحقق حکمرانی سیاسی دولت تراز انقلاب در بیانیه گام دوم، اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی، قابل دسترسی در: www.governanceschool.ir
- [۳۲] وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۷)؛ نمایی کلی از سیاست اخلاقی، فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲
- [۳۳] یومینت. (۱۳۹۰)؛ فساد: ریشه‌ها، پیامدها و درمان‌ها، ترجمه علوی لنگرودی، حسن، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۶، صص ۳۰-۳۴
- [۳۴] جلال وند، بهزاد. (۱۳۹۷)، شاخصه‌های انقلابی گری از نظر مقام معظم رهبری در قرآن و روایات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
- [۳۵] پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. www.hawzah.net
- [۳۶] پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). www.khamenei.ir
- [۳۷] پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری www.mortezamotahari.com
- [۳۸] سایت جامع امام خمینی (رحمه‌الله علیه). www.emam.com
- [۳۹] مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت. www.olgou.org
- [۴۰] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. www.rc.majlis.ir
- [۴۱] وب سایت مدرسه حکمرانی شهید بهشتی (رض) www.governanceschool.ir